



ماه مهر؛ ماه بی مهر!

فروش نوشت افزار با افساطشش ماهه!

صفحه ۲ را بخوانید

روابط بین الملل
در عصر ربات ها



برای درمان اقتصاد، ابتدا باید
درد را به رسمیت شناخت



اکنون نوبت قدرت نمایی ایران رسیده است



نقش ایرانیان در کشف نیشکر
و استفاده از شکر



وقتی تیم هانمی توانند
تصمیم بگیرند



صفریک

سهم صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد ایران



علی نقوی رئیس کمیسیون خدمات فنی
مهندسی و احداث اتاق ایران

SME مخفف عبارت Small & Medium Enterprises است که دربرگیرنده همه بنگاه‌های کوچک و متوسط شامل بنگاه‌های صنعتی، خدماتی، بازرگانی و کشاورزی است. در دنیای امروز، SMEها به ثبات اجتماعی و اقتصادی کشورها کمک می‌کنند. این صنایع با کمک به تولید ناخالص داخلی (GDP)، ایجاد مشاغل، تولید درآمد، توزیع مناسب ثروت و کاهش فقر؛ به توسعه کشورها یاری می‌رسانند و به عنوان ابزار مهمی در رشد اقتصادی هر کشوری شناخته می‌شوند. SMEها دارای مزایا و معایب زیادی نسبت به صنایع بزرگ هستند که از جمله مزایای آن‌ها می‌توان به نوآوری، اشتغال‌زایی و انعطاف‌پذیری بیشتر نسبت به صنایع بزرگ اشاره کرد. از طرف دیگر کوچک بودن این بنگاه‌ها و حجم پایین منابع موجب ایجاد محدودیت‌هایی برای آن‌ها می‌شود که محدودیت‌های مالی، بازاریابی، تولیدی، پژوهش و توسعه و... از آن جمله است. از این رو، بسیاری از کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه برای حل مشکلات این بخش از صنعت، برنامه‌های حمایتی خاصی تدوین کرده‌اند. توسعه SMEها، رمز توسعه اقتصادی دهه آینده است. بررسی هانشان داده که SMEها از طریق چهار کانال کارآفرینی، نوآوری و تغییر فناوری، پویایی صنعت و در نهایت ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تأثیر گذارند. به علاوه شدت یافتن رقابت جهانی، افزایش بی‌اطمینانی و تقاضای فزاینده برای محصولات متنوع باعث شده است که اقبال به این صنایع بیشتر شود. هر چند صنایع بزرگ به جهت داشتن مزیت‌های ناشی از اثر مقیاس انبوه، اثر دامنه تولید، اثر تجربه و اثر سازمان دهی، هنوز

هم مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی هستند؛ اما مزیت‌های SMEها به علت وجود اثر حمل و نقل، اندازه بازار، مؤثر بودن انتخاب و اثر کنترل، این صنایع را در تولید اغلب کالاها به انتخاب اول مبدل ساخته است. با توجه به اهمیت توسعه SMEها در برنامه ریزی و قانون گذاری کشورهای در حال توسعه و صنعتی، روی آوردن به کوچک سازی صنایع و تکیه بر توسعه صنایع کوچک و متوسط به عنوان موتور توسعه صنعتی و اقتصادی، رویکرد بسیار مهمی تلقی می‌شود. از این رو، اتاق بازرگانی در تلاش برای تدوین سندی در جهت توسعه این شرکت‌های کوچک و متوسط است.

■ SME، معیارهای جهانی

نگاه‌های کوچک و متوسط واحدهای اقتصادی ویژه‌ای هستند که از نظر ماهیت و اندازه همگن نیستند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در تولید ملی، اشتغال‌زایی و جذب نیروی کار، نقش قابل توجهی دارند. هر کشور با توجه به شرایط ویژه خود تعریفی از این کسب و کارها ارائه کرده است. به طوری که بیشتر این تعاریف بر اساس معیارهای کمی تعداد کارکنان بنگاه، مجموع دارایی‌های خالص بنگاه و میزان سطح فروش بنگاه (گردش مالی) است. تعدادی دیگر وضعیت حقوقی یک بنگاه، روش تولید، مالکیت و صنعتی که بنگاه در آن فعالیت می‌کند را به کار می‌گیرند. رویکرد سازمان‌های بین‌المللی در تعریف SME ترکیبی از تعداد کارکنان، میزان فروش سالانه و خالص دارایی‌ها به جز دارایی‌های غیرمنقول است. مهم‌ترین و معمول‌ترین شاخص جهت تعریف اندازه بنگاه‌های کوچک و متوسط، تعداد کارکنان بنگاه است. اگرچه این شاخص در کشورهای مختلف دنیا به لحاظ تعداد

متفاوت است اما بیشتر کشورهای بنگاه‌های کوچک و متوسط را به لحاظ تعداد شاغلان در طیف معینی از ۱ تا ۵۰۰ کارکن تعریف می‌کنند. تعیین اندازه بنگاه بر اساس تعداد شاغلین به عنوان یکی از استانداردهای متداول جهت طبقه‌بندی مقیاس بزرگی بنگاه تولیدی مطرح بوده که البته، بسته به کشورهای مختلف سطوح اندازه‌گیری آن متفاوت است. به عنوان مثال در کانادا بنگاه‌های کوچک‌تر از ۵۰۰ نفر کارکن، در گروه بنگاه‌های کوچک و متوسط طبقه‌بندی می‌شوند در حالی که در اتحادیه اروپا بنگاه‌های با اشتغال کمتر از ۲۵۰ نفر متوسط، کمتر از ۵۰ نفر کوچک و کمتر از ۱۰ نفر خرد نامیده می‌شوند. اتحادیه اروپا از سه معیار برای تعریف و شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استفاده می‌کند که عبارت از تعداد کارکنان، حجم گردش مالی سالانه بنگاه و میزان دارایی بدهی‌های آن می‌باشند.

■ تعریف SMEها در ایران

در ایران تعریف واحد رسمی از بنگاه‌های کوچک و متوسط موجود نیست و تعریف این بنگاه‌ها از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است. بر اساس تعریف وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارکن دارند. مرکز آمار ایران، کسب و کارها را به چهار گروه شامل کسب و کارهای ۱-۹ کارگر، ۱۰-۴۹ کارگر، ۵۰-۹۹ کارگر و بیش از ۱۰۰ کارگر طبقه‌بندی کرده است. در آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک و زودبازده که در سال ۱۳۸۴ تصویب شد و مسئولیت اجرایی آن بر عهده سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی است،

به واحدهای تولیدی (کالا و خدمات) کمتر از ۵۰ نفر کارکن، بنگاه کوچک اطلاق می‌شود و فقط این بنگاه‌ها مشمول مفاد آیین‌نامه می‌شوند. آنچه اداره آمار بانک مرکزی به عنوان طبقه‌بندی واحدهای صنعتی در نظر می‌گیرد بدین صورت است که واحدهای با کمتر از ۱۰ نفر کارکن خرد، ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن کوچک، ۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن متوسط و بالاتر از ۱۰۰ نفر کارکن بزرگ نامیده می‌شوند.

■ نقش SMEها در توسعه اقتصادی کشور

جهت تبیین اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد می‌توان به مهم‌ترین کارکردها و نقش این بنگاه‌ها در اقتصاد اشاره کرد که شامل نقش SMEها در اشتغال، هدایت بخش غیررسمی به مولدی اقتصادی، کارآفرینی و خلق ایده‌های نو در تولید، افزایش رقابت پذیری کالاها در بازار جهانی و نیز نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در تجمیع پس‌اندازهای خرد است. اهمیت واحدهای کوچک و متوسط را می‌توان از هر دو بعد کیفی و کمی بررسی کرد. از نظر کمی درصد بسیار زیادی از شرکت‌ها در ایران وسایر کشورهای بنگاه‌های کوچک و متوسطی هستند که ارزش افزوده‌ای بین یک دوم تا یک سوم ارزش افزوده کل کشور را ایجاد می‌کنند. از نظر بعد کیفی، توسعه این بنگاه‌ها در مناطق مختلف کشور می‌تواند از مهاجرت به شهرها جلوگیری به عمل آورد چرا که هر جا شرکت‌های بزرگ شکل می‌گیرند باعث تجمع نیروی کار و مهاجرت به آن محل می‌شوند در حالی که بنگاه‌های کوچک بر اساس نیازهای محلی و منطقه‌ای به وجود می‌آیند. این واحدها باعث گسترش اشتغال، ترویج فرهنگ تولید و ترغیب بخش خصوصی به سرمایه گذاری می‌گردند.

ادامه در صفحه ۲

سهم SMEها

در GDP اقتصادهای توسعه یافته جهان

بررسی نقش کسب و کارهای کوچک و متوسط در ایالات متحده آمریکا نشانگر آن است که این شرکتها بخش عمده‌ای از اقتصاد این کشور را در اختیار خود دارند. صنایع کوچک در آمریکا ۴۶ درصد تولید ناخالص داخلی بخش خصوصی غیرکشاورزی، ۹۷٫۲ درصد کل بنگاه‌های واردکننده، ۵۴ درصد کل ارزش فروش در اقتصاد و ۶۴ درصد از کل شغل‌های جدید ایجاد شده در بخش خصوصی در این کشور را در اختیار دارند.

بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۲، شرکت‌های کوچک و متوسط، ۷۷ درصد مشاغل جدید را در کشور کانادا ایجاد کرده‌اند.

در گزارش بانک جهانی که به بررسی نقش SMEs در اقتصاد این پدیده، آمده است به نقش‌های حیاتی این شرکت‌ها در افزایش رشد اقتصادی ژاپن، ارتقاء و پویایی تأکید شده است. انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری شرکت‌های کوچک و متوسط در تغییرات شرایط محیطی کسب و کار بهتر از شرکت‌های بزرگ است. در بسیاری از موارد شرکت‌های کوچک و متوسط برای اولین بار وارد بازارهای جدید می‌شوند و برخی از آن‌ها به موجب عملکرد موفق به شرکت‌های بزرگ تبدیل می‌شوند. شرکت‌های کوچک و متوسط همچنین از جایگاه مناسبی در شبکه‌های تولید منطقه‌ای برخوردار می‌باشند و بخش جدایی‌ناپذیر فعالیت‌های اقتصادی منطقه‌ای در بسیاری از بخش‌های ژاپن می‌باشند. سهم شرکت‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ژاپن به این صورت است که ۹۹٫۲ درصد فعالیت‌های کسب و کار و پایه‌های ۵٫۷ میلیون نهاد و مؤسسه در ژاپن در قالب SME هستند. ۷۰٫۸۰ درصد از SMها اشتغال در اقتصاد ژاپن را پوشش می‌دهند و ۶۰ درصد SMEها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با شرکت‌های بزرگ فعال در صنعت ارتباط دارند.

تعداد SMEها در چین افزون بر ۵۲ میلیون شرکت است که این شرکت‌ها ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور، ۶۰ درصد حجم تولید، ۷ درصد نوآوری و ۹۰ درصد اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند. بنگاه‌های کوچک و متوسط ۹۹٫۶ درصد از کل شرکت‌های آلمانی تشکیل می‌دهند که ۶۲ درصد از کل شاغلین و ۵۴٫۸ درصد ارزش افزوده این کشور متعلق به این شرکت‌ها است.

در کشورهای OECD (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که دارای ۳۸ عضو است)، ۹۹ درصد کل شرکت‌ها را شرکت‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند که شامل ۷۰ درصد مشاغل می‌شود. همچنین سهم این شرکت‌ها بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای پدیدارآمد دنیا است؛ اما بر طبق آمار، بین فوریه ۲۰۲۰ و آوریل ۲۰۲۱، ۷۰ تا ۸۰ درصد SMEها در ۳۲ کشور جهان، بین ۳۰ تا ۵۰ درصد درآمد خود را از دست دادند.

سهم SMEها در GDP کشور و اهمیت نقش اتاق بازرگانی در توسعه آن‌ها

در ایران ۹ تا ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی به فعالیت SMEها وابسته است و ۶۰ درصد اشتغال کشور، مدیون فعالیت چنین واحدهایی است. اقتصاد ایران به نحو گسترده توسط مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی تعیین می‌شود که بیش از ۸۰ درصد اقتصاد کشور را کنترل می‌کند. مخصوصاً فعالیت‌های مرتبط با استخراج، پالایش و تجارت نفت خام، محصولات نفتی و گاز طبیعی که حدود ۸۰ درصد درآمد صادراتی و تقریباً ۴۰ تا ۵۰ درصد بودجه دولت را تأمین می‌کند. در حال حاضر در ایران، ۹۴ درصد واحدهای صنعتی، شامل SMEها است. این صنایع موجب ۴۳ درصد مشاغل صنعتی هستند.

وجود تعاریف متفاوت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران و نیاز به ارائه یک تعریف مشترک در سطح همه نهادهای مرتبط، امری اجتناب‌ناپذیر است و در صورت تحقق دستیابی به تعریف واحد، امکان مقایسه شاخص‌های اقتصادی ایران با سطوح استاندارد بین‌المللی و سایر کشورها فراهم گردیده و امکان همسوسازی سیاست‌های اقتصادی نهادهای متولی کشور در امر دستیابی به اهداف توسعه صنعتی و اقتصادی فراهم خواهد شد. از طرفی دیگر، با توجه به سهم و اهمیت SMEها در اقتصاد ایران ضرورت دارد که اتاق بازرگانی سندی با هدف برنامه‌ریزی در راستای رشد و توسعه متوازن و پایدار بنگاه‌های کوچک و متوسط در پهنه‌های مطالعاتی منطقه‌ای تدوین نماید. تهیه سند مذکور از یک سو منتج به ارزیابی صحیح ظرفیت‌ها و چالش‌های واحدهای صنعتی کوچک و متوسط خواهد شد و از سوی دیگر تأثیر فعالیت این دسته از بنگاه‌های تولیدی و خدماتی را بر جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... در هر منطقه و نهایتاً بر کل ساختار اقتصادی ایران را مشخص خواهد نمود. نتیجه‌هایی مطالعات سند فوق‌الذکر به ارائه برنامه‌ای اساسی جهت توسعه SMEها بر اساس ظرفیت و پتانسیل‌های موجود در مناطق مختلف کشور (توجه به نقش و سهم هر بنگاه اقتصادی کوچک و متوسط که تابعی از صنایع بزرگ و بالادستی در هر استان است) می‌انجامد.



ماه مهر؛ ماه بی‌مهر!

فروش نوشت افزار با اقساط شش ماهه!

سوم شده است. وی می‌گوید: پارسال یک کتونی خارجی ۹۰۰ هزار تومان بود اما الان کفش ایرانی این قیمت شده و کتونی خارجی بالای یک میلیون و شصت هزار تومان است.

بعد از آن سری به یکی از نوشت‌افزار فروشی‌ها می‌زنم. پی صحبت یکی دو تا از خانواده‌ها که برای خرید آمده بود نشستیم تا بیشتر از اوضاع بازار باخبر باشیم. خانمی که با دخترش برای خرید آمده بودند می‌گوید: لوازم التحریر ۶۰ درصد گران شده و مردم بر خلاف سال گذشته دور لوازم فانتزی و اضافی را خط کشیده‌اند. مجبوریم فقط لوازم ضروری را تهیه کنیم. در سال‌های پیش دلمان به نمایشگاه‌های عرضه لوازم التحریر خوش بود که امسال آنها هم تفاوت قیمت چندانی نداشتند. او ادامه داد: شما در نظر بگیرید که من سه فرزند دانش‌آموز دارم چگونه می‌توانم از این پس هزینه‌ها برابریم؟!

خانمی دیگر به همراه دخترش که در مغازه بود می‌گوید خیلی وقت است از تفریحات خود می‌زنیم تا بتوانیم حداقل‌ها را برای فرزندمان فراهم کنیم. واقعا هزینه تحصیل به شدت افزایش پیدا کرده؛ از لباس فرم گرفته تا لوازم التحریر و سرویس مدارس...

فروشنده لوازم التحریر می‌گوید: مشتری‌ها تقاضای خرید اقسالی را دارند. ما مغازه‌دارها هم توان اینکه بتوانیم مانند گذشته مغازه خود را پر کنیم نداریم چه برسد به مردم!

اگر یک ضرب و تقسیم ساده بکنید یک خانواده برای محتاج سال تحصیلی فرزند خود باید چندین میلیون هزینه کند که از توان خانواده‌های زیادی خارج است و ادامه داد: دخل و خرج‌ها باهم نمی‌خوانند. امروزه می‌بینیم لوازم التحریر را در بسیاری از جاهای کشور با اقساط شش ماهه عرضه می‌کنند. مغازه‌دار هم چاره‌ای ندارد؛ وقتی فروش ندارد مجبور می‌شود شرایطی واگذار کند و همین باعث می‌شود کار ما هم از رونق بیفتد. اوسری تکان می‌دهد و می‌گوید: سال به سال دریغ از مهر پارسال!

در این میان نکته‌ی جالب توجه این است که جدای از بازار، کانال‌های مجازی و فروشگاه‌های اینترنتی بزرگ همگی به‌عرضه کیف و کوله مدارس و نوشت‌افزار روی آورده‌اند. فروشگاه‌های اینترنتی کوچک و بزرگ جشنواره‌های فروش برپا می‌کنند و گاهی این اقدام را به صورت اقساطی به فروش می‌رسانند.

در این شرایط که قدرت خرید بسیاری از خانواده‌ها کاهش یافته انتظار می‌رود مسئولان آموزش و پرورش برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان که توان مالی کمتری دارند طرح‌های حمایتی داشته باشند تا والدین هم در شرایط نامساعد اقتصادی شرمند فرزندانشان خود نباشند و همه دانش‌آموزان به دلیل ناتوانی در تهیه نوشت‌افزار از تحصیل بازمانند.

فاطمه حیدریان

افق اقتصاد- قبل‌ترها از «بار آمد بوی ماه مهر می‌گفتند» ولی این روزها والدین از رنگ و بوی گرانی می‌گویند. با شروع ماه مهر بازار کیف و کفش و نوشت‌افزار تب و تاب تازه می‌گیرد.

هر ساله در ابتدای سال تحصیلی جدید خانواده‌ها به تکاپو می‌افتند تا بهترین‌ها را برای فرزندانشان فراهم کنند اما با توجه به گرانی و تورم که امسال دامن لوازم التحریر و کیف و کفش را گرفته بسیاری از والدین که باید چند فرزند را روانه مدرسه کنند با مشکلاتی روبرو شده‌اند و شیرینی ماه مهر با طعم گرانی هزینه مدرسه و لوازم التحریر، پوشاک و سرویس مدارس تلخ شده است. مشاهدات میدانی حاکی از آن است که قیمت‌های سلیقه‌ای گریبان این لوازم را گرفته و متأسفانه قیمت مصوبی برای لوازم التحریر در بازار در نظر گرفته نشده. با اینکه به وفور این لوازم توزیع شده اما قیمت‌های بالا باعث شده والدین نتوانند به راحتی آنها را تهیه و در اختیار فرزندانشان قرار دهند.

جستجو در بازار نشان می‌دهد که امسال خانواده‌ها برای خرید یک کوله‌پشتی، یک جفت کفش و نوشت‌افزار حدود ۳/۵ تا ۴ میلیون تومان باید هزینه کنند. نوشت‌افزار جزو جدانشدنی از وسایل مورد نیاز دانش‌آموزان در مدرسه است که این روزها تهیه آن خرج زیادی روی دست خانواده‌ها می‌گذارد. بعد از حدود دو سال کروناایی که همه‌ی مدارس اکثر تدریس آنلاین داشتند امسال در همه‌ی مقاطع مدارس کاملاً حضوری شده و تمام دانش‌آموزان بعد از این فاصله گرفتن به آغوش مدرسه بازمی‌گردند. پیرو همین موضوع سری به مغازه‌های مرکز شهر می‌زنیم. تا چشم کار می‌کند و پرتین فروشگاه‌ها پر از کیف‌ها و کوله‌ها در طرح و رنگ‌های مختلف است که این رنگ و لعاب دل بچه‌ها را آب می‌کند اما قیمت‌ها باعث خالی شدن دل والدین می‌شود! وارد مغازه‌ای می‌شوم و از فروشنده می‌خواهم در مورد قیمت‌ها کمی توضیح بدهد: اومی گوید قیمت‌ها بر اساس جنس و سایز و طرح متفاوت است: کوله‌ها ۵۰۰ هزار تومان شروع می‌شود تا دو میلیون تومان. کوله‌های چرخ‌دار استاندرد برحسب مدل و اندازه از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا یک میلیون و ۸۵۰ هزار تومان قیمت دارد. مدل‌های وارداتی ساده و بدون چرخ بر اساس سایز از ۹۰۰ هزار تا یک میلیون و چهارصد هزار تومان. بین کوله‌های وارداتی و لوکس اجناس ایرانی نیز هستند که قیمت آنها از ۴۵۰ تا ۹۵۰ هزار تومان است. فروشنده می‌گوید امسال خریدها در مقایسه با سال گذشته کمتر شده.

یکی از مغازه‌دارهای کفش در مورد وضعیت اخیر و توان مردم می‌گوید: بازار امسال خراب‌تر از سال قبل است چون قیمت‌ها تقریباً ۳ برابر شده و همین مساله از تعداد مشتری‌ها و خریداران به شدت کاسته و فروش ما کمتر از یک

تربیان

برای درمان اقتصاد، ابتدا باید درد را به رسمیت شناخت

مرتضی حاجی آقامیری، رئیس کمیسیون فرش، هنر و صنایع دستی اتاق ایران

برای اینکه بتوانیم درد اقتصاد را درمان کنیم، ابتدا باید این درد را به رسمیت بشناسیم و برخی ارقام اقتصادی اعلام شده نشان می‌دهد ما در شناسایی درد دچار مشکل هستیم. با توجه به وضعیت شاخص‌های کلان اقتصاد کشور، به نظر می‌رسد اعلام نرخ رشد اقتصادی ۷٫۹ درصدی در بهار امسال واقعی نباشد. وقتی مکرراً اعلام می‌شود متوسط نرخ رشد اقتصادی در ۱۰ سال گذشته نزدیک به صفر بوده است و در طول دو سال گذشته هم نه تنها اثری از گشایش‌های اقتصادی ندیدیم بلکه آمارها هم نشان می‌دهند وضعیت اقتصادی کشور بدتر شده است، اعلام نرخ رشد ۷٫۹ درصدی واقعی به نظر نمی‌رسد. افرادی که گمان می‌کنند با عددسازی می‌توانند درد اقتصاد را درمان کنند. برای اینکه بتوانیم درد اقتصاد را درمان کنیم، ابتدا باید این درد را به رسمیت بشناسیم. متأسفانه این عددسازی‌ها نشان می‌دهد ما در قدم اول دچار مشکل هستیم و مسئله را درست شناسایی نکرده‌ایم و واقعیت اقتصاد کشور به درستی روبرو نشده‌ایم. بنابراین چشم‌اندازی هم برای

درمان اقتصاد در این فضا دیده نمی‌شود. متغیرهای اقتصادی به‌طور ملموس خود را در شرایط جامعه نشان می‌دهند و هر کسی که در فضای کسب و کار، فعال باشد با مشاهده وضعیت تورم و سقوط شاخص‌های بهبود کسب و کار و متوجه می‌شود نرخ رشد اعلام شده واقعی نیست. بهبود عملی فضای کسب و کار، تسهیل و تقویت صادرات غیرنفتی، رفع موانع و ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری، تسهیل و تقویت تأمین مالی تولید، کاهش بروکراسی برای فعالیت‌های اقتصادی و پیش‌بینی‌پذیر کردن اقتصاد از جمله دردها و نیازهای اقتصاد ایران است که باید برای تک‌تک آنها درمان‌های کارشناسی و اصولی تعریف و اجرا شود. در این مدت روش‌های رفع تعهد ارزی نیز محدودتر شده‌اند و همه موانع موجود در حوزه صادرات به قوت خود باقی هستند تا جایی که آمار ۵ ماهه صادرات فرش کشور نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش یافته است. در این فضا چرا باید شاهد رشد باشیم؟ نه در آمار تولید و نه در آمار صادرات فرش شاهد هیچ رشدی نبوده‌ایم. میزان صادرات فرش ایرانی از ۴۲۶ میلیون دلار در سال ۹۶ و پیش از اجرای سیاست رفع تعهد ارزی به ۵۰ میلیون دلار رسیده است.

از هراس جمععی تا سیاستی ملی و انسانی

آرش نصراصفهان

این روزها حضور پناهندگان و مهاجران افغانستانی در ایران به یکی از موضوعات پرالتفات و نگران کننده در فضای عمومی کشور بدل شده است. نگرانی از افزایش تعداد مهاجران و پیامدهای سیاسی و امنیتی حضور آنها در ایران سبب شده مجموعه‌ای متنوع و بعضاً متضاد از تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها، درباره شرایط موجود و علل آن مطرح شود. گروهی از طوطه‌ای داخلی صحبت می‌کنند و برخی در نقطه مقابل، دست بیگانگان را در کار می‌بینند. نتیجه کلی اظهار نظرهای مختلف، شکل گیری فضای منفی و ایجاد هراس جمعی درباره مهاجران افغانستانی در ایران است که بخش زیادی از آن، محصول اطلاعات غلط و ناقص و نتیجه گیری‌های دور از واقع است. در این نوشتار تلاش می‌کنم با اتکا به شواهد تجربی و آمارهای موجود، به برخی از مهم‌ترین دغدغه‌های فعلی جامعه در مورد مهاجران افغانستانی پاسخ دهم.

چه تعداد افغانستانی در ایران زندگی می‌کنند؟

بر اساس برآورد آژانس پناهندگان سازمان ملل، تعداد مهاجران افغانستانی در ایران چهار و نیم میلیون نفر و بر اساس صحبت‌های وزیر کشور ۵ میلیون نفر است. از این تعداد حدود ۴ میلیون نفر دارای نوعی از مدرک اقامتی اند که به آنان اجازه داده در ایران به طور موقت سکونت داشته باشند. تعداد افغانستانی‌ها قبل از به قدرت رسیدن طالبان حدود ۳ میلیون نفر برآورد می‌شد که به نظر گرفتن برآوردهای جدید احتمالاً جمعیت‌شان به میزان ۵۰ تا ۶۷ درصد جمعیت آنها در ایران افزایش یافته است (یعنی بین یک و نیم تا دو میلیون نفر). بسیاری از آمارهایی که درباره جمعیت افغانستانی‌ها در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌شود، مبنای دقیقی ندارد و از آن نوع بزرگ نمایی‌هایی است که به کار ایجاد هراس جمعی می‌آید.

آیا افغانستانی‌ها ایران را تسخیر کرده‌اند؟

بسیاری از استان‌های ایران، به ویژه استان‌های مرزی برای حضور افغانستانی‌ها ممنوع است. از ابتدای دهه ۱۳۸۰ سیاست رسمی دولت ایران این بوده که افغانستانی‌ها در استان‌های مرکزی سکونت داشته باشند. علاوه بر این، مهاجران عموماً تمایل دارند در مناطقی ساکن باشند که فرصت شغلی بیشتری وجود دارد و بتوانند به شبکه حمایتی اقوام خویشان دسترسی داشته باشند. در نتیجه در بسیاری استان‌ها تعداد افغانستانی‌ها بسیار اندک و در برخی استان‌ها مانند تهران، جمعیت آنها قابل توجه است. اگر آمار دانش آموزان افغانستانی را ملاک قرار دهیم، حدود یک سوم افغانستانی‌ها در استان تهران زندگی می‌کنند. با در نظر گرفتن کارگران فصلی مجرد، احتمالاً این نسبت بالاتر باشد. در بسیاری از کشورهای جهان، جمعیت مهاجران معمولاً در برخی محله‌ها و مناطق بیشتر است. در ایران هم این قاعده صادق است و جمعیت افغانستانی‌ها در بعضی از شهرها و مناطق روستایی ایران متراکم‌تر است. تعمیم یک تراکم مشاهده شده در یک مکان به کل ایران، یک خطای روش شناختی است. اینکه در محله‌ای افغانستانی‌ها باشند، تعداد ایمان‌های یک بیمارستان از آن افغانستانی‌ها باشد، طبیعی است ولی از این مورد نمی‌توان نتیجه گرفت که در تمام بیمارستان‌های ایران هم چنین وضعیتی وجود دارد. این نوع آمارها را باید بر اساس تعداد کل جمعیت و نسبت جمعیتی تفسیر کرد، در غیر این صورت اعتبار علمی ندارد. افغانستانی‌های ساکن ایران با هر نوع مدرک اقامتی‌ای که دریافت کرده باشند، مجوز اقامت

کوتاه مدت در ایران دارند. جز اندکی از صاحبان سرمایه و کسب و کار و نخبگان که اقامت‌های ۲ تا ۵ ساله

دریافت کرده‌اند، بقیه افغانستانی‌ها دارای اقامت یک ساله و کم‌ترند. دولت ایران از ابتدای حضور افغانستانی‌ها، آنها را مهمان موقت تعریف کرده و تعهدی برای اقامت دائم آنها در کشور نپذیرفته است. اگر یک افغانستانی در پایان هر سال اقامت مدرکش تمدید نشود، از نظر اداری و سیاسی، مهاجر غیرقانونی قلمداد می‌شود و ممکن است از کشور اخراج شود. حتی آن ۷۵۰ هزار نفری که در مناسبات ایران و سازمان ملل، پناهنده در نظر گرفته می‌شوند، از لحاظ حقوقی «افراد در وضعیت مشابه پناهنده‌گی» شمرده شده و ایران تا کنون برای آنها پرونده‌های فردی پناهنده‌گی تشکیل نداده است. اقامت این افراد هم یک ساله تمدید می‌شود و بسیاری از آن‌ها تحت فشارند که مدارک هویتی فعلی‌شان را به پاسپورت افغانستانی و ویزای ایرانی بدل کنند. در نتیجه هر افغانستانی ساکن کشور در یک وضعیت ناپایدار قرار دارد و هر آن ممکن است امکان زندگی در ایران از او سلب شود. در کل، اینکه جمعیت مهاجر افغانستانی ساکن ایران در آینده چه سرنوشتی خواهد داشت، روشن نیست و احتمال اینکه همه آنها روزی ایران را ترک کنند، بسیار بعید است اما خلاف تصوراتی که دامن زده می‌شود، دولت ایران تعهدی در قبال اقامت دائم آن‌ها نپذیرفته است.

آیا افغانستانی‌ها طرفدار طالبانند؟

ما اطلاعات دقیقی از گرایش‌های سیاسی افغانستانی‌ها نداریم ولی از آنجا که گرایش‌های سیاسی آنها تحت تاثیر هویت قومی آنها قرار دارد، می‌توانیم برآوردهایی نزدیک به واقعیت ارائه کنیم. طالبان یک جریان اسلامگرا متعلق به یک گروه قومی پشتون است که البته طرفدارانی از بقیه اقوام هم دارد. لیکن مطابق موضع گیری‌های رسمی و اقدامات عملی آنها، عمدتاً یک جریان پشتون و ضد شیعه و ضد زبان فارسی به حساب می‌آید. مردم افغانستان از جمله مهاجران ساکن ایران، از اقوام متعددی تشکیل شده‌اند. بخش قابل توجهی از افغانستانی‌های ساکن ایران، هزاره‌ها هستند که به واسطه سیمای ظاهری‌شان شناخته شده‌اند و از بقیه قومیت‌ها در ایرانند. هزاره‌ها شیعه‌اند و خود، قربانی خشونت و حتی نسل کشی طالبان قرار گرفته‌اند. تاجیک‌ها که زبان‌شان فارسی است و از یک‌ها که ترک زبان محسوب می‌شوند دو گروه قومی بزرگ دیگر هستند که بسیاری از آنها به سبب ترس از طالبان چه قبل از قدرت گرفتن و چه بعد از آن - به ایران پناه آورده‌اند. پشتون‌ها هم در ایران ساکن اند اما شواهد چهارده حضور آنها در ایران نشان می‌دهد با اینکه بعضاً قربانی شدیدترین اشکال خشونت و تحقیر بوده‌اند اما تا کنون تهدید امنیتی برای جامعه ایران ایجاد نکرده‌اند. نگرانی از ارتباط با اندیشه رادیکال طالبانی بحق است و طبیعی است که نهادهای امنیتی برای مقابله با چنین تهدیداتی، تمهیداتی را اندیشیده و اجرا کرده باشند. اما به دو نکته باید توجه کرد؛ اولاً نباید همه افغانستانی‌ها را بدون توجه به قومیت، مذهب و پیشینه‌شان مورد اتهام قرار داد. دوم و مهم‌تر اینکه، از سیاست‌هایی که می‌تواند این جمعیت را به سمت رادیکالیزه شدن سوق دهد، باید اجتناب کرد. حاشیه‌ای شدن، تحقیر و به رسمیت شناخته نشدن، عوامل مهمی است که ممکن است باعث احساس بیگانگی و کاهش حس تعلق به جامعه میزبان شود و سرخوردگی از این وضعیت، زمینه‌ساز برای رشد اندیشه‌ها و رفتارهای افراطی مساعد کند.

افغانستانی‌ها همه شغل‌ها را از

ایرانی‌ها گرفته‌اند؟

آمار دقیقی از تعداد مشاغل در اختیار

بیمارستانی را در آزادکوه در ازای دستمزد اندک دفن می‌کند، نادیده انگاشت.

آیا افغانستانی‌ها عامل جرم و امنیتی‌اند؟

بالا بودن نرخ جرم افغانستانی‌ها در ایران بارها توسط مقامات رسمی به استناد آمار رده شده است. یکی از مقامات رسمی در هفته گذشته، تعداد زندانی‌های افغانستانی در ایران را ۶ هزار نفر اعلام کرده که به نسبت جمعیت افغانستانی‌ها، کمتر از نسبت ایرانی‌های زندانی است. از طرف دیگر، در یک پیمایش تلفنی در شهر تهران در سال ۱۳۹۸، تنها چهار درصد از پاسخگویان گفته‌اند که مستقیم از سمت یک افغانستانی مورد شکلی از آزار و اذیت قرار گرفته‌اند.

جذب افغانستانی‌ها به عنوان حامیان حکومت؟

بسیاری از فعالان مدنی از اعطای شناسنامه به مهاجران افغانستانی خصوصاً نسل‌های دوم و سوم که در ایران به دنیا آمده‌اند و اساساً از هر جهت ایرانی محسوب می‌شوند، دفاع می‌کنند اما حکومت ایران تا این لحظه این کار را نپذیرفته است. حتی طرح اعطای شناسنامه به کودکان مادر ایرانی که شوهر افغانستانی داشتند نیز تقریباً متوقف شده است. چرا؟ ما به درستی از انگیزه‌ها و سیاست‌های رسمی ایران، آگاهی نداریم و تا کنون هم کمتر گزارشی درباره مانی سیاست‌های رسمی تهیه یا منتشر شده است. اما می‌توانیم حدس‌هایی بزنیم. همانطور که گفته شد افغانستانی‌ها به لحاظ مذهبی همگن نیستند. تاجیک‌ها، پشتون‌ها و ازبک‌ها که سه گروه اصلی قومی اند اغلب سنی مذهب هستند. شاید یکی از عللی که ایران انگیزه‌ای برای پذیرش این گروه از مهاجران ندارد، در این جنبه ریشه داشته باشد. در بین شیعیان افغانستانی بسیاری حامی حکومت شیعی اند اما باید توجه داشت بسیاری از جوانان هزاره به ویژه آن‌ها که در ایران بزرگ شده‌اند از نظر گرایش سیاسی و سبک زندگی، تفاوت‌چندانی با میانگین جوانان ایرانی ندارند. در نتیجه تصور اینکه همه شیعیان افغانستانی حامیان سرسخت حکومت ایرانند یا در صورت دریافت شناسنامه، رأی‌شان را همیشه به نفع یک جریان سیاسی به صندوق می‌اندازند، استدلال قابل دفاعی به نظر نمی‌رسد. سوال کلیدی این است که چه نسبتی از مهاجران شیعه‌اند؟ با توجه به صدور نزدیک به ۴ میلیون مدرک اقامتی، این اطلاعات امروز در وزارت کشور موجود است اما اعلام نشده است. بر اساس آمارهای پیشین تعداد شیعیان احتمالاً بین ۲۰ تا ۴۰ درصد کل مهاجران افغانستانی است.

گفت‌وگوی عمومی درباره موضوع مهاجران افغانستانی در ایران ضروری است. همین چند نکته مختصر نشان می‌دهد که ما درک دقیق و علمی از یکی از موضوعات مهم کشور نداریم. با آنکه افراد با جریان‌هایی سعی دارند ایرانیان را از مهاجران افغانستانی‌ها بترسانند و به تازگی هم صدای‌شان بیشتر از پیش بلند شده است اما در عین حال، این را می‌توان به عنوان فرصت نگاه کرد تا جنبه‌های مختلف این موضوع شکافته شود و راهی برای درپیش گرفتن سیاست‌هایی انسانی و در عین حال، تأمین کننده منافع ملی گشوده شود. شناخت دقیق این جمعیت و ویژگی‌های آن، گام اول برای اجتناب از دامن زدن به هراس جمعی و اهریمن‌سازی از مهاجران در افکار عمومی است. مقابله با جریان‌های ضد مهاجر آسان نیست اما فراهم شدن مجال گفت‌وگو و شنیده شدن صدای همه ذی‌نفعان از جمله مهاجران افغانستانی می‌تواند از دو قطبی شدن فضا و میدان داری گروه‌های افراطی ضدمهاجر جلوگیری کند.

isa.org.ir

افغانستانی‌ها وجود ندارد اما با در نظر گرفتن جمعیت زنان و کودکان، همچنین کارگران مجرد فصلی، تخمین زده می‌شود حدود یک سوم این جمعیت شاغل باشند. به عنوان نمونه در فراخوان اسفندماه سال پیش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای تعیین وضعیت اشتغال افراد دارای برگه سرشماری (۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر)، نزدیک ۷۰۰ هزار نفر شرکت کردند. بر این اساس احتمالاً حدود یک و نیم میلیون فرصت شغلی در اختیار افغانستانی‌هاست. کارگر افغانستانی گزینه مطلوب پیمانکار ایرانی است زیرا نسبت به کارگر ایرانی، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم کمتری دارد و در بسیاری از مشاغل، کارگر ایرانی حاضر به کار با این دستمزد نیست. اگر کسی به دنبال فهمیدن دلیل حضور افغانستانی‌ها در ایران طی این سال‌هاست، یکی از علل آن را می‌تواند در نیاز اقتصاد ایران به کارگر ارزان پیدا کند. بسیاری از افغانستانی‌ها در مشاغل کارگری ساده مشغولند در حالی که بیکاری ایرانیان بیشتر در بین گروه‌های تحصیل کرده و ماهر وجود دارد و حاضر نیستند در چنین مشاغل ساده و سختی کار کنند. افغانستانی‌هایی هم هستند که طی سال‌ها به واسطه افزایش مهارت و اندوختن ثروت، توانسته‌اند ارتقای شغلی پیدا کنند؛ اما دولت ایران بر اساس قوانینی که از سال ۱۳۶۳ برای حمایت از اشتغال کارگر ایرانی مصوب کرده تا کنون پابرجاست. افغانستانی‌ها را عموماً به عنوان کارگران ساده به رسمیت می‌شناسد و یک افغانستانی امکان قرارداد رسمی در بنگاه‌های خصوصی یا تأسیس کسب و کار شخصی ندارد. محدودیت‌های قانونی برای برخورداری از حق مالکیت و دسترسی به خدمات و تسهیلات بانکی نیز سبب می‌شود یک افغانستانی فرصت ارتقای کمتری نسبت به یک ایرانی در شرایط مشابه داشته باشد. به خاطر این محدودیت‌ها، نیروهای متخصص و ماهر افغانستانی تمایل دارند ایران را به قصد ترکیه و اروپا ترک کنند.

آیا نگهداری از افغانستانی‌ها بار مالی است؟

طبعاً تأمین خدمات عمومی، هزینه‌بر است و ایران طی این سال‌ها متکفل هزینه‌های زیادی در این خصوص شده است. ولی باید به دو نکته توجه داشت؛ اولاً افغانستانی‌ها برای دریافت بسیاری از خدمات مانند خدمات بهداشتی و درمانی هزینه‌ای بیشتر از ایرانی‌ها پرداخت می‌کنند. دوم آنکه در ارزیابی اقتصادی همواره باید ترازای از منافع و هزینه را در نظر گرفت. هزینه‌های عمومی دولت برای افغانستانی‌ها را باید در کنار خدمات آنها به اقتصاد ایران در نظر گرفت. نیروی کار ارزان افغانستانی، باعث کاهش هزینه تولید در بسیاری بخش‌ها شده که کل اقتصاد ایران از این ناحیه منتفع شده است. نمی‌توان افغانستانی‌ها را موقع ثبت نام فرزندش در مدرسه، هزینه‌ای تحمیلی به جامعه دید اما خدمت او به جامعه وقتی زیاده‌های



برترین صادرکنندگان جهان کدامند؟



در سال ۲۰۲۲، ارزش مجموع صادرات کالاها جهانی به نزدیک به ۲۵ هزار میلیارد دلار رسید. با تکامل تجارت بین‌المللی و اثرات جهانی شدن و همچنین پیشرفت در فناوری، تجارت جهانی طی ۲۰ سال گذشته حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافته است. به گزارش اتاق ایران آنلاین، این اینفوگرافیک براساس داده‌های سازمان تجارت جهانی (WTO) برترین کشورهای صادرکننده جهان را براساس میزان صادراتشان به تصویر کشیده است.

چین هنوز «کارخانه جهان» است

۱۱ صادرکننده بزرگ جهان، در سال گذشته میلادی ۱۲٫۸ هزار میلیارد دلار کالا صادر کرده‌اند که این میزان بیشتر از مجموع صادرات سایر کشورهای جهان، برابر ۱۲٫۱ هزار میلیارد دلار است. چین با ۳٫۶ هزار میلیارد دلار یا ۱۴ درصد از کل صادرات، در صدر فهرست قرار دارد. این کشور از سال ۲۰۰۹ تاکنون بزرگ‌ترین صادرکننده کالا در جهان بوده است. در سال ۲۰۲۲، برترین محصولات صادرشده از چین از نظر ارزش، انواع تلفن، از جمله گوشی‌های هوشمند، رایانه‌ها، دستگاه‌های مطالعه نوری از جمله کتاب‌خوان‌ها، مدارهای یکپارچه، دیودهای انرژی خورشیدی و نیمه‌رساناها بوده‌اند. دو شریک تجاری اصلی چین هم کشورهای همسایه این کشور، یعنی ژاپن و کره جنوبی هستند.

مکزیک بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکا

چین تا همین اواخر روابط تجاری قابل توجهی با اتحادیه اروپا و آمریکا، دو مورد از بزرگ‌ترین

بازارهای کالا در جهان، ایجاد کرده بود. با این حال، تنش‌های ژئوپلیتیکی و تجاری اخیر منجر به از دست دادن موقعیت چین به‌عنوان

بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکا در سال ۲۰۲۳ شده است.

مکزیک اکنون با تبدیل شدن به اصلی‌ترین شریک

تجاری و بزرگ‌ترین فروشنده کالا به آمریکا، از چین سبقت گرفته است. این تغییر در پویایی تجارت، بخشی از تلاش گسترده‌تر آمریکا برای واردات کالا از فواصلی نزدیک‌تر به کشور و کاهش وابستگی به رقبای ژئوپلیتیکی است. آمریکا خود با بیش از ۲ هزار میلیارد دلار صادرات در سال، دومین صادرکننده بزرگ کالا در جهان به شمار می‌رود. کانادا بزرگ‌ترین خریدار صادرات آمریکا در سال ۲۰۲۲ بود که ۱۷ درصد از کل صادرات را به خود اختصاص داد و پس از آن مکزیک، چین، ژاپن و بریتانیا قرار گرفته‌اند. عمده‌ترین صادرات آمریکا، نفت تصفیه‌شده، گاز نفتی، نفت خام، خودرو و مدارهای یکپارچه است.

عصر جدید عقب‌گرد از جهانی شدن

تجارت بین‌الملل در آغاز قرن بیست و یکم به شدت رشد کرد و از ۱۵٫۶ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به ۴۰٫۷ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسید. از آن زمان تاکنون اما سیاست‌های تجاری حمایتی مانند مالیات بر کالاهای خارجی و سهمیه واردات ۶۶۳ درصد افزایش یافته است. در نتیجه، سهم تجارت جهانی از تولید ناخالص داخلی که در سال ۲۰۰۸ به اوج خود رسیده بود، رو به کاهش گذاشته است. با وجود کاهش وابستگی متقابل و یکپارچگی بسیاری از کشورها در دوران پس از کرونا، صادرات جهانی همچنان بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ روندی رو به رشد داشته و براساس داده‌های بانک چندملیتی استاندارد چارترد، با رشدی ۷۰ درصدی تا سال ۲۰۳۰ به ۲۹٫۷ هزار میلیارد دلار خواهد رسید.



با ۳ برابر شدن بدهی فرانسه طی ۲۰ سال

بدهی فرانسه به ۳ هزار میلیارد یورو رسید

این بدهی متعلق به کیست؟

بیش از نیمی از بدهی فرانسه متعلق به نهاد‌های مالی خارجی است و ۱۵ درصد از آن هم به بانک مرکزی اروپا تعلق دارد، زیرا وام‌دادن بانک‌های مرکزی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری خارجی به دولت‌ها امری رایج است. حدود یک چهارم از بدهی از طریق سهام یا اوراق قرضه در اختیار نهاد‌های فرانسوی قرار دارد و مابقی متعلق به آژانس‌های مختلف بیمه و وام است.

بازپرداخت پول

بدهی فرانسه پایدار نیست، زیرا بازپرداخت چنین مبالغ هنگفتی عملاً غیرممکن است. این مبلغ برابر است با اینکه هر شهروند اروپایی ۴۵۰۰۰ یورو از بدهی را بازپرداخت کند؛ مبلغی قابل توجه که البته در مقایسه با بدهی عمومی آمریکا بسیار ناچیز است.

بازپرداخت این بدهی زمان می‌برد، زیرا اوراق بدهی تا ۵۰ سال قابل انتشارند. اما وزارت دارایی فرانسه به تازگی اعلام کرده است که می‌خواهد برای کاهش بدهی در سال ۲۰۲۴ تلاش کند؛ امری که مستلزم کاهش شدید هزینه‌های عمومی است. هیچ راه‌حل یکسانی برای بازپرداخت همه بدهی عمومی وجود ندارد. بخش قابل توجهی از این بدهی از طریق پس‌انداز و بیمه عمر مردم بازپرداخت

بدهی فرانسه در ابتدای سال ۲۰۲۳ به مرز سه هزار میلیارد یورو رسید که معادل ۱۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است. ۲۰ سال پیش، در سال ۲۰۰۳، بدهی این کشور به اولین هزار میلیارد خود رسید. فرانسه در این حوزه تنها نیست. این کشور در کنار یونان، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا و بلژیک، از جمله کشورهای اتحادیه اروپا و منطقه یورو است که بدهی آن بیش از ۱۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی است.

به گزارش اتاق ایران آنلاین، بدهی عمومی یک کشور به معنی انباشت کسری بودجه عمومی طی سال‌های متوالی است. به بیانی دیگر، یک دولت بیشتر از درآمد خود هزینه می‌کند و در نهایت با گذشت زمان بیشتر و بیشتر بدهکار می‌شود. مقامات فرانسه، مانند دولت‌های سراسر جهان، مبالغ هنگفتی از پول عمومی را برای متعادل کردن اثرات منفی چندین بحران متوالی خرج کرده‌اند.

جدیدترین نمونه آن بحران انرژی و هزینه زندگی ناشی از حمله روسیه به اوکراین است که باعث شد بخش‌هایی از هزینه‌های عمومی برای کاهش آسیب به خانوارها و اقتصاد خرج شود. پیش از آن هم برای مهار تبعات همه‌گیری کرونا و بحران مالی سال ۲۰۰۸ از منابع عمومی خرج شده بود.

آژانس‌های رتبه‌بندی مالی قابل اعتماد تلقی می‌شود. علی‌رغم از سر گذاردن چندین بحران اجتماعی و دوره‌های پرخشونت، ثبات سیاسی و اعتبار نسبی این کشور و توجه و احترام قائل شدن آن برای بازپرداخت بدهی‌های پیشین به این معنی است که فرانسه هنوز برای سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان جذاب است. این در حالی است که دیگر کشورهای بدهکار اروپایی مانند ایتالیا و یونان از چنین سطح اطمینانی بهره‌مند نیستند. بسیاری از کشورها مانند آمریکا نسبت به تولید ناخالص داخلی خود بدهی بالایی دارند. با این حال، اقتصادهای قوی هنوز هم جذاب هستند و نمایندگان مجلس همچنان به رأی دادن به بودجه‌ها با مخارجی بیش از درآمدها ادامه می‌دهند.

می‌شود-مانند ژاپن که میزان بدهی آن بیش از ۲۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است. جهان طی سه سال گذشته بحران‌های متوالی را متحمل شده است. اما اکنون از آنجایی که نشانه‌های دلگرم‌کننده‌ای از کاهش تورم مشاهده می‌شود، با توجه به پایین بودن نرخ بیکاری و کاهش بالقوه نرخ بهره توسط بانک‌های مرکزی، ممکن است کشورها بتوانند کمی احساس آرامش کرده و هزینه‌های عمومی خود را کاهش دهند.

بدهکار اما قابل اعتماد

افزایش بدهی‌های عمومی فرانسه به این معنا نیست که این کشور قرار است به صورت فعالانه از بازپرداخت بدهی‌های خود شانه خالی کند. فرانسه هنوز از سوی

هشدار رکن اقتصادی سازمان ملل

بانک‌های مرکزی، جهان را در آستانه رکودی تمام‌عیار قرار داده‌اند

اهداف توسعه پایدار سازمان ملل خواهد شد. گزارش تجارت و توسعه ۲۰۲۳ می‌گوید که بار بدهی‌ها، هزینه‌های نامرئی که بر دوش بسیاری از کشورهای در حال توسعه سنگینی می‌کند، همچنان یک نگرانی اصلی در اقتصاد جهانی است. افزایش نرخ‌های بهره، تضعیف ارزها و رشد کند صادرات در کنار فشرده شدن فضای مالی برای تأمین نیازهای ضروری، معضل رو به رشد «خدمات بدهی» (مبلغ پول نقدی که برای بازپرداخت اصل و سود بدهی به آن نیاز است) را به بحران توسعه یافته تبدیل کرده است. این نهاد سازمان ملل با هشدار نسبت به اینکه تقریباً یک سوم از اقتصادهای لب‌مرزی با درآمد پایین یا متوسط در پررنگ‌ها مشکلات بدهی قرار گرفته‌اند،

بخش جهانی سازی و استراتژی‌های توسعه آنکتاد با توجه به اینکه اقتصاد اروپا در لبه رکود قرار گرفته، اقتصاد چین با چالش‌های مخالف شدید مواجه است و فشارهای مالی دوباره در آمریکا در حال ظهورند، اقتصاد جهانی در حال متوقف شدن است. به گفته آنکتاد، در چنین شرایطی پایین نگه داشتن ترمزهای مالی و بالانگه داشتن نرخ بهره، ترکیب سیاستی اشتباهی برای تثبیت اقتصاد جهانی است. اقتصاد جهانی در یک دوراهی قرار داشته و کشورهای فقیرتر به‌طور نامتناسبی بیشتر از کشورهای ثروتمند از افزایش نرخ‌های بهره آسیب دیده‌اند. در این شرایط افزایش شکاف ثروت باعث تضعیف بهبود اقتصادی شکننده و تخریب رویاهای کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد، آنکتاد، هشدار داده است که بانک‌های مرکزی با اصرار برای رسیدن به نرخ تورم ۲ درصدی، جهان را در معرض خطر ورود به رکودی تمام‌عیار قرار داده‌اند، مگر اینکه هدف ۲ درصدی خود را رها کرده و موضعی در حمایت بیشتر از رشد اقتصادی بگیرند. این سازمان با اشاره به شواهد روزافزونی که از بحران بدهی در کشورهای فقیر گزارش می‌شوند اعلام کرد که افزایش شدید نرخ بهره از سوی بانک‌های مرکزی بزرگ که اسلحه مؤثر علیه تورم به شمار می‌رود، از سال ۲۰۲۱ تاکنون نابرابری را افزایش و سرمایه‌گذاری را کاهش داده است. در گزارش سالانه جدید تجارت و توسعه ۲۰۲۳ این نهاد آمده است که قرار بود رشد جهانی از ۳ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۲٫۴ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد و در سال ۲۰۲۴ نشان اندکی از بهبود مشاهده شود؛ اما به گفته ریچارد کوزول رایت مدیر

گفت که رسیدگی به این موضوع بسیار مهم است زیرا برآورده کردن مطالبات طلبکاران این اقتصادها بسیاری از کشورهای در حال توسعه را در هم شکسته است. به گفته این نهاد سیاست پولی سخت‌تر تاکنون کمک چندانی به کاهش قیمت‌ها نکرده است و از نظر نابرابری و تخریب چشم‌انداز سرمایه‌گذاری آسیب‌های زیادی وارد کرده است. از این رو بانک‌های مرکزی باید توقعات خود را از اهداف ۲ درصدی کاهش داده و نقش تثبیت‌کننده‌تر را در اقتصاد بازی کنند. در این گزارش همچنین آمده است که کاهش نابرابری باید یک اولویت سیاست‌گذاری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه باشد و نظارت دقیقی بر سهم درآمد کارگران از درآمد ملی داشته باشد. دستمزدهای واقعی، یعنی دستمزدهای تعدیل‌شده براساس نرخ تورم، باید متناسب با رشد بهره‌وری و با تعهدات مشخص نسبت در جهت حمایت جامع از اجتماع افزایش یابد.

اروپا بیش از این توانایی مقابله ندارد روسیه خود را برای نبرد بزرگ در زمستان آماده می‌کند

جنگ در فصل سرد هستند، آنها باور دارند که از ناپلئون تا هیتلر در زمستان مغلوب روسیه شده‌اند. مسکو فعلاً قصد پیشروی ندارد اما در پاییز می‌خواهد مواضع ارتش سرخ را مستحکم حفظ کند.

بر اساس برآوردها، ارتش روسیه از ماه آوریل موشک‌های بالستیک هواپایه کمتری شلیک کرده است. موضوع برای ناظران نظامی زمانی جالب‌تر می‌شود که کارخانجات تسلیحاتی روسیه اقدام به افزایش شدید تولید موشک‌های کروزر کرده‌اند. علاوه بر این، در نتیجه توافق «کیم جونگ اون» با «ولادیمیر پوتین»؛ خطوط تولید موشک کره شمالی برای مسافت‌های کوتاه‌برد مبتنی بر ساختار شوروی در اختیار روسیه قرار خواهد گرفت.

وزارت دفاع بریتانیا هم می‌گوید که روسیه احتمالاً در تلاش برای ایجاد یک انبار بزرگ از موشک‌های کروزر هواپایه به منظور استفاده از آنها در حملات خود علیه اوکراین در فصل زمستان است. نگرانی استراتژیک ناتو این است که ارتش سرخ توان ساخت و انبار بزرگ‌ترین زرادخانه موشک‌های کروزر با برد طولانی را در کنار موشک‌های قاره‌پیمای روسی به دست آورد. نکته اینجاست که زرادخانه‌های

موشکی اروپا به دلیل کمک به اوکراین با چالش مواجه شده‌اند. تا اینجا کار، اوکراینی‌ها نتوانسته‌اند موفقیت چشم‌گیری کسب کنند. در آن طرف هم مسکو توانسته است که بحران واکنش و گره‌های

افق اقتصاد - رئیس جمهوری اوکراین، ولودیمیر زلنسکی به هر کجا که سفر می‌کند؛ اروپا، آمریکا یا کانادا همچنان خواستار تسلیحات بیشتر برای نیروهای خود است که از فوریه ۲۰۲۲ با نیروهای روسیه می‌جنگند. این مسئله علی‌رغم ضد حمله‌ای است که آنها در ژوئن گذشته تجربه کردند. این ضد حمله در بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال شده از سوی نیروهای روسی موفقیت‌آمیز نبود. به گزارش دیپلماسی ایرانی به نقل از الخلیج، کشورهای عضو ناتو از نتایج ضد حمله گفته شده سرخورده شدند علی‌رغم این که مدرن‌ترین تسلیحات خود را به ارزش میلیارد دلار به اوکراین ارائه کردند و دیگر قادر به ارائه تسلیحات بیشتر نیستند. حتی پنتاگ استولتنبرگ، دبیر کل ناتو به طور ضمنی از مصرف تسلیحات و مهمات از سوی ارتش اوکراین به میزانی فراتر از توان کشورهای غربی ابراز شکایت کرد. از آنجا که اوضاع نیروهای اوکراینی و وضعیت زرادخانه تسلیحاتی ناتو آنطور که گفته شده است؛ از این رودخواست زلنسکی برای تسلیحات بیشتر خنده‌دار است؛ زیرا کشورهای عضو ناتو تمام آنچه را که در توان داشتند ارائه کردند بدون آن که نیروهای اوکراینی بتوانند به خطوط روسیه نفوذ کنند و دستاوردهای اندکی که محقق ساخته‌اند با میزان کمک‌های ناتو و فداکاری‌های ارتش اوکراین - از دست دادن صدها هزار تن از نیروها - برابری نمی‌کند.

روسیه خود را برای نبرد بزرگ در زمستان آماده می‌کند

علی‌وادیع در دیپلماسی ایرانی نوشته: رویاهای ضد حملات بهار اوکراین با سرعت جای خود را به کابوس زمستانه می‌دهد. روس‌ها استاد



پیامد فوری جنگ اوکراین محسوب می‌شود. در بگو مگوهای سیاسی اروپا اگرچه کسی طرفدار روسیه نیست اما میزان هزینه‌های جنگ اوکراین و لزوم کنترل تقابل با کرملین در حال طرح است. از نظر اروپایی‌ها، هر چه جنگ طولانی‌تر شود، می‌تواند غیرقابل حل‌تر و پرهزینه‌تر به نظر برسد. در اروپا این باور شکل گرفته که جنگ اوکراین تنها قدرت هژمونی آمریکا را افزایش می‌دهد تا این که منافع کلا اروپا تا مین شود. نکته ترسناک برای کی‌یف این است که در واشنگتن هزینه‌های کمرشکن تسلیح زلنسکی امکان انفجار دارد. جمهوری خواهان چندین و چندبار درباره لزوم پایان جنگ حرف زده‌اند. ماجرای جلوگیری «مک کارتی» از سخنرانی زلنسکی در مجلس نمایندگان هم پیام واضحی از سمت محافظه کاران دارد. موضع‌گیری چندروز اخیر کاندیداهای جمهوری خواهان درباره وجود فساد در سیستم دولتی اوکراین و پاسخگو نبودن زلنسکی درباره دخل و خرج جنگ نشانه‌های جدی از احتمال تغییر رویکرد و نوع بازی آمریکا در تقابل با روسیه است. مساله بنیادین در معمای تضمین حمایت از کی‌یف این است که خوش‌بینی مفرط درباره ضد حملات بهار، جای خود را به یک جنگ بی‌پایان و بدون نتیجه بیخ گوش اروپا داده است. تحولات پر سر و صدای جامعه جهانی هم منجر به کاهش ارزش جنگ اوکراین می‌شود و همین موضوع تهدید جانی است که اتفاقاً مسکوری آن سرمایه‌گذاری کرده است.

اقتصادی را کنترل کند. مجموعاً می‌توان گفت روسیه اعتماد به نفس خود را بازیافته است. علاوه بر همه اینها، کرملین با گزینه هسته‌ای اعصاب اروپا را به هم می‌ریزد. حساب و کتاب میدان جنگ نشان می‌دهد که غرب و شرق در حال فریز جنگ هستند اما این بدان معناست که نبرد طولانی خواهد شد. فرسایش جنگ برای هر دو طرف منجر به ایجاد هزینه تصاعدی می‌شود که خوشایند شرکای اروپایی نیست. در این میان، موضوعات متنوعی برای اختلاف در اردوگاه غرب وجود دارد. اختلاف لهستان با اوکراین در مساله صادرات غلات که به قطع کمک‌های تسلیحاتی بودا پست امکان سرایت به موارد دیگر را هم دارد. نکته اینجاست که در جریان نشست تابستانه سران ناتو هم نشانه‌های اختلافات با «زلنسکی» بروز و ظهور پیدا کرد. کی‌یف با عیش و اسلحه و پول مطالبه می‌کند اما ناتو اروپا برای پرداخت هزینه هم محدود است. مجموع شرایط یک معمای بزرگ در ذهن کی‌یف مطرح می‌کند؛ غرب تا کجا از جنگ اوکراین حمایت خواهد کرد؟ آیا مبتنی بر نظر «هنری کیسینجر» پدر خوانده سیاست خارجی آمریکا، غرب تصمیم به پذیرش تقسیم اوکراین خواهد گرفت تا دیوار برلین در این کشور بازسازی شود؟

با قطعیت می‌توان گفت که در میان برخی شرکای اروپایی تردید درباره حمایت طولانی مدت از جنگ اوکراین وجود دارد. صدای پای ناسیونالیسم افراطی در قاره‌های مسکونی‌هاست که

اکنون نوبت قدرت‌نمایی ایران رسیده است



هوشمندانه تنها نام بنیامین نتانیاها و دسترس به پرونده پزشکی وی در رسانه‌ها طرح شده است، مسئله‌ای که با شرایط سیاسی و اجتماعی کنونی حاکم بر اسرائیل به صورت مستقیم ارتباط دارد. بنابراین دور از منطقی است که در صورت وجود هر گونه سند یا اسناد راهبردی (هم وزن با اسناد مرتبط با نتانیاها)، فرایند رسانه‌ای کردن آن انجام شود چرا که تضاد و جدال ایران و اسرائیل به وجود و عدم وجود نتانیاها در صحنه سیاسی اسرائیل محدود نیست و در صورت سقوط نتانیاها و حضور هر یک از افراد سیاسی اسرائیل بر مسند قدرت، این تخصص‌ها تداوم خواهد یافت فلذا بسیار معقول خواهد بود که اسناد در اختیار به صورت موشکافانه بررسی و حداکثر استفاده از محتوای اسناد، در هر سطح ارزش اطلاعاتی انجام شود.

ایران و اسرائیل فارغ از تحولات منطقه‌ای، کماکان بدون رویارویی مستقیم منافع هم‌رادر تمام منطقه مورد هجوم قرار خواهند داد، حال که اسنادی دال بر عدم صلاحیت نتانیاها برای نخست‌وزیری در اختیار ایران است، موقع آن فرا رسیده تا با افشا و ارائه این اسناد به رسانه‌ها، هم قدرت اطلاعاتی خود را نمایش دهد و هم منجر به فوران نیروی‌های مخالف سیاسی و فوج انسانی علیه نتانیاها و سقوط احتمالی او شود. این امر به مثابه فرصت تنفسی است تا ایران مواضع اش در منطقه را تقویت، از بازگیری اسرائیل در منطقه مانع و خود را برای دفاع در برابر

عملیات این چنین تبلیغات گسترده‌ای را انجام نخواهد داد زیرا بر خلاف عملیات مورد ادعای اسرائیل و سرعت اسناد با موضوعیت اتمی و نمایش رسانه‌ای نتانیاها از لوح‌های فشرده و زونکن مدارک، اسناد در اختیار ایران معطوف به یک موضوع نیست و طیف گسترده‌ای از افراد دارای پرونده قضایی را در بر خواهد گرفت، بنابراین دلیلی بر نشر اسناد و تبلیغات رسانه‌ای و اطلاع رسانی به افکار عمومی، احساس نمی‌شود بی شک پس از بررسی و

عملیات این چنین تبلیغات گسترده‌ای را انجام نخواهد داد زیرا بر خلاف عملیات مورد ادعای اسرائیل و سرعت اسناد با موضوعیت اتمی و نمایش رسانه‌ای نتانیاها از لوح‌های فشرده و زونکن مدارک، اسناد در اختیار ایران معطوف به یک موضوع نیست و طیف گسترده‌ای از افراد دارای پرونده قضایی را در بر خواهد گرفت، بنابراین دلیلی بر نشر اسناد و تبلیغات رسانه‌ای و اطلاع رسانی به افکار عمومی، احساس نمی‌شود بی شک پس از بررسی و

غفور کریمی | کارشناسی مسائل سیاسی و بین‌الملل

رسانه‌ای شدن دسترسی ایران به هفتاد هزار سند محرمانه و فوق محرمانه قضایی رژیم اسرائیل، جنگ اطلاعاتی و رسانه‌ای بین ایران و این رژیم را وارد مرحله تازه کرده است. بی شک این اطلاعات در حال بررسی و تحلیل از سوی کارشناسان امنیتی ایران هستند و ارائه قطره چکانی و در زهد فمندان به رسانه‌ها با محوریت پرونده‌های قضایی نتانیاها ارسال پیامی زهرآگین به سران این رژیم علی‌الخصوص بنیامین نتانیاها است. در شرایطی که نا آرمی‌های داخلی، جامعه مدنی اسرائیل به مثابه مگامی جوشان است افشای این رخنه اطلاعاتی و رونمایی از سندهای مورد اشاره می‌تواند بر لهیب تلاطم‌های موجود و عمیق‌تر کردن مفاک‌های موجود در بدنه این نظام منجر شود.

زمان و نحوه دسترسی ایران به اسناد مذکور و همچنین ترکیب اسناد نامشخص است، طبعاً گمانه‌زنی‌ها در خصوص ماهیت اسناد ادامه دارد. اعلام این موضوع از رسانه لبنانی و همچنین یکی از روزنامه‌های داخلی به صورت محدود و مبهم تکنیکی رسانه‌ای است که بر پیچیدگی‌های آن افزوده است زیرا بر خلاف سیاست‌های رسانه‌ای و پروپاگاندا و شبکه‌ی جهان شمول رسانه‌های تحت سیطره صهیونیسم بین‌الملل، ایران در خصوص

زمان تضعیف دلار



نیویورک پست هشدار می‌دهد که گسترش بریکس دلار را از جایگاه خود به عنوان ارز اصلی جهانی سلب خواهد کرد و واشنگتن توانایی تأثیرگذاری بر سیاست مالی جهانی را از دست خواهد داد. به دلیل دلاریزایی، کشورهای سرکش مانند ایران و روسیه می‌توانند «از تحریم‌های بین‌المللی مصون شوند» و آمریکا دیگر نمی‌تواند از ارز خود «برای مجازات افراد بد» استفاده کند. احتمال دلاریزایی از اقتصاد جهانی به عواقب ناگواری برای هژمونی جهانی آمریکا منجر خواهد شد، زیرا اهرم اصلی فشار مالی بر سایر کشورها از بین خواهد رفت. نقش دلار به عنوان ارز ذخیره کلیدی جهان، پایه و اساس رهبری جهانی آمریکاست. اولویت دلار به آمریکا اجازه می‌دهد تا به طور قابل توجهی، بر سیاست مالی جهانی تأثیر بگذارد و جامعه جهانی را وادار می‌کند تا با تصمیمات اقتصادی اتخاذ شده در واشنگتن سازگار شود و نه برعکس. تقاضای کمتر برای ارز ممکن است، صادرات را رانتر کند، اما همچنین قدرت خرید دلار را کاهش می‌دهد و اعتماد به ثبات آن را تضعیف می‌کند. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که نرخ‌های بهره بالاتر و تورم ناشی از آن به بازار سهام آسیب می‌زند.



وقتی تیم‌ها نمی‌توانند تصمیم بگیرند

بخش چهارم

زهرا عباسی | تنظیم و خلاصه نویسی

تیم مدیران ارشد، مشغول ریزنی درباره یک انتخاب استراتژیک بسیار مهم است اما هر قدر اعضای تیم وقت و انرژی صرف می‌کنند، نمی‌توانند به تصمیم رضایت‌بخشی دست پیدا کنند. سپس لحظه ناراحت‌کننده‌ای فرامی‌رسد که همه چشم‌ها به سمت مدیرعامل می‌چرخند. تیم منتظر می‌ماند تا رئیس تصمیم نهایی را بگیرد اما هنگامی که تصمیم گرفته می‌شود، معدودی آن را می‌پسندند. اما افراد زیادی مقصودند - هرچند مخاطب قرار نمی‌گیرند. مدیرعامل، مدیران ارشد را به خاطر تصمیم نگرفتن مقصر می‌داند. آنها از مدیرعامل به خاطر اینکه مانند یک دیکتاتور عمل کرده است دلخورند. اگر این حرف برای شما آشناست، به خاطر این است که با آنچه علائم بیماری دیکتاتور به صورت پیش‌فرض می‌نامم آشنا هستید.

به دنبال ناممکن

اخذ تصمیمات مشترک بر اساس ترجیحات افراد، یک علم ناقص است. هنگامی که گروهی سه نفره یا بیشتر می‌کوشند میان سه موضوع یا بیشتر اولویت‌گذاری کنند، خواست‌های اکثریت ممکن است با یکدیگر در تقابل باشد. این (معمای رای‌دهی) که برای نخستین بار در قرن هجدهم مارکی دو کندورسه ریاضیدان و نظریه‌پرداز اجتماعی فرانسوی، مطرح کرد؛ به این دلیل به وجود می‌آید که زیرمجموعه‌های متفاوت گروه ممکن است اکثریت‌های متعارضی برای کلیه

از اعضا نماینده یک حوزه مهم از سازمان است؛ از ارزیابی گرفته تا عملیات و امور مالی. این مهم نیست که چند بار مدیرعامل از اعضای تیم بخواهد کلاه‌های وظیفه‌ای را از سر خود بردارند و به سازمان به صورت یک کل نگاه کنند. برای مدیران ارشد دشوار است که خود را از مسئولیت‌های وظیفه‌ای خود جدا کنند. از آنجایی که تیم اغلب توجه خود را بر تخصیص منابع و تعیین اولویت‌ها متمرکز می‌کند، اعضا برای تخصیص منابع به پروژه‌های مورد علاقه خود و اخذ تایید برای آنها با یکدیگر رقابت دارند. هنگامی که بیش از دو گزینه روی میز باشد، صحنه برای آنکه مدیرعامل به «دیکتاتور به صورت پیش‌فرض» تبدیل شود آماده است. در حالت پنهان‌تر مشکل حتی زمانی که تیم به انتخاب «این یا آن» دست می‌زند، سر جای خود باقی می‌ماند (به رغم اینکه معمای رای‌دادن مستلزم سه گزینه یا بیشتر است). قرار دادن ملاحظات استراتژیک در قالب‌های دوتایی «یا باید به صورت تهاجمی وارد این بازار شویم یا به کلی از این خط کاری خارج شویم» - ظاهر آن برخورد با مشکل احتراز می‌کند. اما چنین گزینه‌هایی همیشه شامل یک گزینه ناگفته سوم نیز هست: «هیچ یک از این دو». به عبارت دیگر، ممکن است برای ورود به بازار، برای خروج از کسب و کار، یا برای هیچ کدام، اکثریت‌های دوری می‌تواند وجود داشته باشد. خلاصه شده در تحریریه افق اقتصاد از کتاب «درباره تیم» مجموعه مقالات «هاروارد بیزینس ریویو» ترجمه سید محمد تقی‌زاده مطلق، نشر «هنوز»

به دست آوردن منابع برای پروژه‌های مورد علاقه‌شان با یکدیگر رقابت و عملاً پیدایش بن‌بست را ناگزیر می‌کنند. برای شکستن این بن‌بست، رهبر تیم به اخذ تصمیمی یک‌جانبه دست می‌زند و موجب نارضایتی و آزردگی تیم از «دیکتاتور» می‌شود. فریبش برای بهبود فرایند تصمیم‌گیری تیم چندین تاکتیک را توصیه می‌کند. برای مثال، به روشنی نتیجه‌ای را که تیم باید به آن دست یابد تبیین کنید. هنگامی که افراد هدف را بفهمند با سرعت و سهولت بیشتری بر سر چگونگی دستیابی به آن توافق می‌کنند؛ و به کمک نظرسنجی‌های قبل از جلسه ترجیحات وظیفه‌ای اعضا را مشخص کنید تا حوزه‌های توافق و عدم توافق معلوم و امکان بروز بن‌بست مشخص شود. این تاکتیک‌ها که به شکل گول‌زننده‌ای ساده هستند، تیم شما را در موقعیتی قرار می‌دهند که به بن‌بست نرسد به عوض اینکه شما را وارد آنند «به صورت پیش‌فرض به دیکتاتور» تبدیل شوید.

پذیرش مشکل

برای غلبه بر «علائم بیماری دیکتاتور به صورت پیش‌فرض»، مدیران عامل و تیم‌هایشان باید نخست شرایطی را که به پیدایش این بیماری منجر می‌شود بشناسند. این علائم شاید از همه واضح‌تر در جلسات بحث استراتژی مدیران ارشد خود را نشان دهد، اما در هر جلسه با اهمیت کمیته مدیران ارشد نیز می‌تواند ظاهر شود. اغلب تیم‌های مدیران ارشد در عمل قانون گذارند. به استثنای مدیرعامل، هر یک

گزینه‌های ممکن به وجود آورند. یک قرن و نیم بعد، اقتصاددان معروف، کن آرو، قضیه عدم امکان خود را تدوین کرد که بر اساس کار کندورسه، مجموعه‌ای از اثبات‌های ریاضی ارائه می‌دهد.

معمای رای‌دادن: رئیس همیشه اشتباه می‌کند یک تیم مدیریت می‌کوشد ناوگان وسایل نقلیه مدیران ارشد شرکت خود را انتخاب کند. هنگامی که می‌کوشند تا از میان سه گزینه بی‌ام، لکسوس و مرسدس انتخاب کنند، تک‌تک اعضای تیم به بن‌بست می‌رسند. برای شکستن این بن‌بست، مدیرعامل مداخله می‌کند و بی‌ام را برمی‌گزیند. اما دو سوم اعضای تیم لکسوس را ترجیح می‌دهند. اما اگر او لکسوس را انتخاب کرده بود، دو سوم اعضای تیم مرسدس را برگزیده بودند و اگر مرسدس را برمی‌گزید، دو سوم تیم بی‌ام را ترجیح داده بودند. هر تصمیمی که رئیس بگیرد، اکثریت تیم او گزینه دیگری را ترجیح می‌دهند. در نتیجه، به صورتی نااعادانه، اما نه تعجب‌برانگیز، همگی او را دیکتاتور می‌دانند.

ایده

هنگامی که تیم‌ها بین وظیفه‌ای در تصمیم‌گیری دچار مشکل می‌شوند، رهبران عوامل روانشناختی نظیر بی‌اعتمادی یا ارتباطات ضعیف را مقصر می‌دانند. اما مشکل در افراد تیم نیست، مشکل در فرایند تصمیم‌گیری نهفته است. هر یک از اعضای تیم از حوزه‌ای در سازمان آمده است. از این رو هر یک برای

هوش مصنوعی و جنگ‌های آینده



باسم برهوم

چهار دهه دیگر بیشتر تسلیحاتی که در حال حاضر وجود دارند بی‌ارزش شوند. اکنون ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای بزرگ استفاده از هوش مصنوعی در مقیاس گسترده در دقیق‌ترین، مؤثرترین و قدرتمندترین عملیات نظامی خود را آغاز کرده‌اند. حتی اسرائیل که در رقابت با زمان است تا برتری خود را در این زمینه تثبیت کند، افشا کرد که در حملات اخیر خود به غزه از هواپیماهای شناساگریز که دارای قابلیت‌های ویژه هستند استفاده کرده است تا محل اختفای رهبران جهاد اسلامی را بیابد و ترور آنها را تضمین کند. پیشرفته‌ترین کشور در زمینه استفاده از هوش مصنوعی در جنگ‌ها همان طرفی است که شکل و ماهیت نظام بین‌المللی و حتی آینده جهان را برای دهه‌های بعدی تعیین خواهد کرد. این طرف از سیستمی برخوردار است که می‌تواند سرنوشت این جنگ‌ها را با کمترین خسارت انسانی تعیین کند.

میان بیشتر کشورهای جهان در زمینه تسلیحاتی و تکنولوژی جنگی شکاف گسترده‌ای وجود دارد؛ بنابراین این شکاف چه اندازه خواهد بود زمانی که اسلحه‌ها به جهان علمی - تخیلی نزدیک‌تر شود؟ هواپیماهای نسل چهارم و حتی نسل پنجم همراه با ده‌ها هزار تانک و توپ بی‌ارزش خواهند شد و تسلیحاتی که انسان‌ها به صورت مستقیم از آنها استفاده نمی‌کنند، سیطره خواهند داشت. چه بسا مهم‌ترین پرسش در این‌جا این است که ما در موضوع هوش مصنوعی و چگونگی استفاده از آن در ابعاد نظامی کجا قرار داریم؟

در زمانی که کشورهای پیشرفته به ویژه آمریکا در حال انجام جهش گفته شده در بالا هستند در حالی که تعدادی از کشورهای عربی در اثر بحران‌های داخلی از هم پاشیده‌اند و برخی دیگر نیز در زمره کشورهای ورشکسته قرار دارند، پیش‌بینی‌ها در این زمینه تاریک و مبهم است. ممکن است در میان

کشورهای ثروتمند ما به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس فرصت دستیابی به بلیط برای ورود به این جهان جدید وجود داشته باشد؛ اما ما باید همچنان این مسئله را مدنظر قرار دهیم که فرصت‌های تولید انواع جدید انرژی با توسعه هوش مصنوعی بیشتر از گذشته است...

اخبار الخليج - دیپلماسی ایرانی

آبادر آینده‌ای نه چندان دور شاهد «دیپلمات‌های رباتیک»

در مذاکرات بین‌المللی خواهیم بود؟

روابط بین‌الملل در عصر ربات‌ها

محمد مهدی سیدناصری | مدرس و پژوهشگر حقوق بین‌الملل عمومی

۱

در این نوشتار قصد دارم تا به صورت مشخص به تأثیرات هوش مصنوعی بر آینده حوزه روابط در سطح بین‌الملل در عصر هوش مصنوعی بپردازم. به نظر می‌رسد امنیت بین‌المللی و روابط بین‌الملل جاذبه‌های جدید جهت ابتکارات هوش مصنوعی و برنامه‌های کاربردی است. در میان تمامی بخش‌های رفتاری انسان، شاید سیاست دشوارترین رفتاری است که بتوان آن را به صورت اتوماتیک در آورد. سیاست به طور ذاتی امر بسیار پیچیده‌ای است که پیچیدگی رفتار انسان هم به عنوان یک فرد و هم در ابعاد اجتماعی را انعکاس می‌دهد. این پیچیدگی در سطح روابط بین‌الملل بسیار واقعی‌تر به نظر می‌رسد و ضرورت پرداختن به موضوع دیپلماسی در عصر هوش مصنوعی را پررنگ می‌کند.

۳

نقش هوش مصنوعی هر روز در زندگی ما بیشتر و بیشتر می‌شود. الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای سال‌های متعددی است که در دیتاست‌ها و کامپیوترهای بزرگ استفاده می‌شوند، ولی حضور آنها در حوزه لوازم الکترونیک مصرفی به سال‌های اخیر برمی‌گردد. هوش مصنوعی در حقیقت نوعی شبیه‌سازی هوش انسانی برای کامپیوتر است و منظور از هوش مصنوعی در واقع ماشینی است که به گونه‌ای برنامه‌نویسی شده که همانند انسان فکر کند و توانایی تقلید از رفتار انسان را داشته باشد. این تعریف می‌تواند به تمامی ماشین‌هایی اطلاق شود که بگونه‌ای همانند ذهن انسان عمل می‌کنند و می‌توانند کارهایی مانند حل مسئله و یادگیری داشته باشند. هوش مصنوعی یکی از گسترده‌ترین فناوری‌های مورد استفاده در دنیای دیجیتال امروزی پس از انقلاب صنعتی چهارم است.

۵

این ماشین‌ها، فعالیت‌های شناختی وابسته به ذهن انسان را به خوبی انجام می‌دهند. در نتیجه، کشورهای که این چنین سیستم‌های پیشرفته‌ای را در دسترس دارند، به راحتی توانایی توازن قوا در سطح بین‌الملل و غلبه بر دشمنان خود را خواهند داشت. به عبارت دیگر، قدرت در مقوله هوش مصنوعی باعث افزایش قدرت رقابتی در هر کشور می‌شود و از آن راه می‌تواند کشورهای را که به این تکنولوژی دسترسی ندارند، به حاشیه براند و آنها را از امکان به دست آوردن سرمایه و سایر مزیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و نظامی محروم کند.

۷

این نکته را هم باید گفت که در این نوع جنگ در واقع نابرابر، اخلاق هم جایگاهی نخواهد داشت و نتیجه آن جز تباهی نخواهد بود. دغدغه دیگر این است که با توجه به اینکه اغلب توافق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مبتنی بر جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی که مورد تأیید جوامع قرار گرفته، بر اساس شرایط فناوری قرن گذشته بوده و متناسب با پیشرفت‌های علمی روز دنیا به روزرسانی نشده است، در نتیجه در صورت استفاده از هوش مصنوعی در نبردها، عملاً این کنوانسیون‌ها تأثیر بسزایی نخواهند داشت. این موضوع بسیار می‌تواند ترسناک و قابل تأمل باشد، اگر گروه‌های تروریستی و تکفیری بتوانند از سلاح‌های هوشمند برای کشتار سریع جامعه هدف خود و به راه‌انداختن آشوب‌های داخلی و بین‌المللی استفاده کنند.

۹

هوش مصنوعی هم همچون سایر دستاوردهای تکنولوژی ششمین دوره است و همان گونه که بهره‌گیری از هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از حوزه حمل‌ونقل و کنترل ترافیک یا حوزه‌های سلامت و فراهم شدن امکان جراحی از راه دور و یا کمک در بین‌های مدار بسته، اما گسترش کاربردهای هوش مصنوعی در سراسر جهان نگرانی‌هایی را هم در پی داشته است.

۱۱

در حوزه دیپلماسی، هوش مصنوعی این قابلیت را دارد که حجم انبوهی از اطلاعات طبقه‌بندی شده و دقیق را در اختیار دیپلمات‌ها و متخصصان حوزه سیاست خارجی قرار دهد تا آنها در مذاکرات بتوانند با دقت زیاد تصمیم‌گیری کنند. با توجه به اینکه کشورها برای پیش‌بینی وقایع در حال روی آوردن به الگوریتم‌ها هستند، سیاست خارجی دگرگون خواهد شد. کشورها یا دانستن تک‌تک حرکات یکدیگر که ممکن است روزها، هفته‌ها یا ماه‌ها پیش‌تر پیش‌بینی کرده باشند با یکدیگر تعامل برقرار خواهند کرد. چنین تغییر و تحولی جهان کسب و کار ژئوپلیتیک را تغییر خواهد داد. در نتیجه کشورهایی که در این زمینه پیش‌رو باشند، با قدرت تحلیلی و دانش بیشتری برخورد دارند و این قابلیت را پیدا می‌کنند تا برای کسب امتیازات سیاسی و اقتصادی در جهت منافع کشور خود در عرصه‌های بین‌المللی موفق‌تر عمل کنند.

۲

امروزه تأثیر بعضی علوم و فناوری‌های نوین در حوزه‌های مختلف غیرقابل چشم‌پوشی است. یکی از مواردی که امروزه با سرعت بسیار زیادی پیشرفت کرده، مسئله هوش مصنوعی است که عدم توجه به آن می‌تواند نقش مهمی در عقب‌ماندگی کشورها داشته باشد و می‌تواند ارتباط مؤثر آن کشور را با سایر کشورها کاهش داده و آنها را در موضع ضعف قرار دهد. شاید تصور شود منظور مسئله کاملاً تخصصی و فنی هوش مصنوعی می‌تواند در ارتباط بین کشورها مؤثر باشد، اما موضع‌گیری برخی مقامات عالی‌رتبه سیاسی کشورها نشان می‌دهد پرقدرت‌ترین کشورها، در یک دهه آینده کشورهایی هستند که در حوزه هوش مصنوعی حرف اول را بزنند. در اینجا باید اشاره کنیم که تکنولوژی بیش از اینکه ماهیتی فناورانه داشته باشد، ماهیتی فرهنگی، اخلاقی و انسانی دارد. هوش مصنوعی از جمله علوم است که در دهه‌های گذشته پیشرفت‌های شگرفی را در علم به وجود آورده است و همین طور این پیشرفت‌ها به هیچ وجه به یک علم خاص محدود نیست، بلکه تمامی علوم را در بر گرفته است. شاید تا همین ۱۰ سال پیش استفاده از هوش مصنوعی و نقش آن در زندگی عادی ما تنها محدود به مواردی محدود و بسیار فنی بود که جز اهل فن توانایی فهم آن را نداشتند اما حالا می‌توان گفت هوش مصنوعی جزئی از زندگی عادی ما انسان‌هاست.

۴

خیلی از افراد هنوز هم با شنیدن واژه هوش مصنوعی به ربات‌ها فکر کرده و تصور می‌کنند که منظور از هوش مصنوعی همان ربات‌های بی‌احساسی هستند که برای انجام راحت‌تر کارها طراحی شده‌اند و قرار است در آینده جای انسان‌ها را بگیرند. مسئول این نوع تفکر به احتمال زیاد فیلم‌های علمی و تخیلی است اما واقعیت آن است که تصور می‌شود تفاوت دارد. هوش مصنوعی که امروزه از آن یاد می‌شود در واقع تکنولوژی است که به نحوی قابلیت تفکر دارد. البته این قابلیت تفکر با چیزی که ما به عنوان تفکر انسانی می‌شناسیم تفاوت زیادی دارد، اما در حقیقت سعی دارد تا آن را تقلید کند. امروزه شاید هوش مصنوعی به آن شکلی که تصور می‌کنیم وجود نداشته باشد اما باز هم بسیاری از کارهایی که روزانه انجام می‌دهیم، مانند جست‌وجوی اینترنت یا گشت و گذار در صفحات شبکه‌های اجتماعی و غیره، همه متأثر از هوش مصنوعی است و در حقیقت در این مواقع داریم از آن استفاده می‌کنیم. آنقدر این استفاده ناملموس است و به آن عادت کرده‌ایم که در آن لحظه حس نمی‌کنیم که داریم از هوش مصنوعی استفاده می‌کنیم.

۶

کشورهای دارای سیستم‌های پیشرفته هوش مصنوعی، از حجم بسیار زیاد اطلاعات پردازش شده و تحلیل دقیق آنها می‌توانند بهره‌ای را بردند و از آن در جهت پیشبرد اهداف استراتژیک کلان خود، بسیار موفق‌تر از بقیه کشورهای عمل کنند که صرفاً برای تحلیل داده‌ها از مغز انسان استفاده می‌کنند. چگونگی به کارگرفتن هوش مصنوعی توسط دولت‌ها، نتایج مختلفی را در حوزه روابط بین‌الملل خواهد داشت، بدین صورت که اگر کشوری، قدرت بسیار زیادی در این حوزه داشته باشد و سلاح‌هایی را با توجه به این تکنولوژی تولید کند، به راحتی می‌تواند سایر کشورها را تحت سلطه خود قرار دهد و توازن قوا در سطح جهانی را دستخوش تغییر کند. نتیجه رقابت و جنگ کشوری با استفاده از هوش مصنوعی با کشوری که استراتژی آن صرفاً استفاده از مغز انسان است، کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده است.

۸

البته ناگفته نماند که استفاده از این سیستم‌های پیشرفته هوش مصنوعی، بدون شک محدود به استفاده در نبردها نخواهد شد و درگیری‌های نرم و سایبری نیز تحت الشعاع قرار می‌گیرند. بدین صورت که با طراحی از پیش تعیین شده و تولید وپروس، زیرساخت‌های سیستم کنترل و فرماندهی را آلوده کرده و مراکز هدف را از کار می‌اندازند. تأثیرگذاری منفی در فضای مجازی هم می‌تواند از دیگر عملکردهای سیستم‌های هوش مصنوعی باشد. با در نظر گرفتن این شرایط، بازرگاری در سیاست‌های کنترل سلاح‌های کشتار جمعی و نامتعارف، رویکردهای رسانه‌ای و... ضروری به نظر می‌رسد و هماهنگی و اطلاع از استراتژی سیاست خارجی سایر کشورها اهمیت بیشتری می‌یابد؛ به دلیل اینکه حتی یک سوءتفاهم کوچک می‌تواند به نبردهای مخرب در میان دولت‌ها و گروه‌های غیردولتی منجر شود. برخی کشورها که استفاده از هوش مصنوعی را در دستور کار خود قرار دادند، نحوه استفاده مسئولانه از آن را به درستی نمی‌دانند و حتی ممکن است اصول اخلاقی و قوانین بین‌المللی را زیر پا بگذارند. استفاده ناصحیح از هوش مصنوعی، ممکن است مشکلات اساسی برای نظام‌های سیاسی و اجتماعی دنیا ایجاد کند.

۱۰

برای جلوگیری از این دغدغه‌ها، نقش دیپلمات‌های علم و فناوری کشورها بسیار پررنگ خواهد شد تا با استفاده از مذاکرات بین‌المللی و گسترش ارتباطات، راهکارهای قابل قبولی برای استفاده و به کارگیری هوش مصنوعی تدوین کنند. در حال حاضر کشورهای در حال توسعه، باید توجه ویژه‌ای به این مقوله داشته باشند و یک ستاد مرکزی، با اختیارات کافی تشکیل دهند تا استراتژی کلان دولت خود را در مواجهه و استفاده صحیح از هوش مصنوعی تبیین کنند زیرا عقب‌ماندگی در این حوزه از سایر کشورهای توسعه یافته، کشور را در شرایط ضعف قرار می‌دهد. البته این موضوع هم خیلی مهم است که به کارگیری هوش مصنوعی در راستای برقراری امنیت و صلح جهانی باشد و نشان دهد که دستاوردهای آن هیچ تهدیدی برای امنیت بین‌الملل محسوب نمی‌شود. در این زمینه دیپلمات‌ها باید با انجام مذاکرات چند جانبه بر اعتمادسازی استفاده درست از هوش مصنوعی در سطح بین‌الملل تأکید ورزند.

۱۲

در اینجا سئوالی بسیار مهم پیش می‌آید که سیاست خارجی در حال حرکت به سمت الگوریتم‌هایی است که هدف آنها تجزیه و تحلیل داده‌ها، پیش‌بینی وقایع و مشورت دادن به دولت‌هاست. دنیا چه شکل و شمایل پیدا خواهد کرد وقتی کشورها برای پیش‌بینی رویدادهای آینده از الگوریتم‌ها استفاده کنند؟ در آینده پیش‌بینی رخداد‌های جهانی می‌تواند به یک هنجار تبدیل شود. دولت‌هایی که وقایع را پیش‌بینی نمی‌کنند ممکن است با مشکلاتی مواجه شوند. آیا در آینده‌ای نه چندان دور شاهد دیپلمات‌های رباتیک در مذاکرات بین‌المللی خواهیم بود؟ خلاصه شده از دیپلماسی ایرانی

زهرا زارعی | خلاصه و تنظیم

کشف نیشکر توسط سربازان داریوش

در سال ۳۲۶ پیش از میلاد، اسکندر کبیر در دره رود سند که امروزه پاکستان نامیده می شود، جنگید. طی یک دهه او و سربازان یونانی اش با کشورهای شناخته شده سراسر جهان به جنگ مشغول شدند و حتی ایران را که در آن زمان فرمانروای آسیا بود شکست دادند. رشته پیروزی های اسکندر تنها باعث فرونشاندن عطشش در تسخیر کل جهان بود ولی سربازان او از ادامه این کار طفره رفتند. آنها از جنگیدن خسته و دلشان برای سرزمین شان تنگ شده بود؛ بنابراین از ادامه جنگ سرباز زدند. اسکندر متوجه شد نمی تواند به تسخیر آسیا ادامه دهد ولی کنجکاوی وی به حدی بود که نمی توانست به ماجراجویی اش خاتمه دهد برای همین ناوگانی متشکل از هشتصد کشتی ساخت و معتمدش نثارخوس را به فرماندهی اش گمارد تا از راه دریا در سواحل هند به کنکاش بپردازد. و نثارخوس بود که برای اولین بار و کاملاً تصادفی به شیرینی نی پی برد. یونانیان تا آن روز اطلاعاتی را که درباره هندوستان داشتند از کتابهای هروdot به دست آورده بودند. این کتب مربوط به یک قرن گذشته بود. نویسندگان در کتاب چنین آورده که زمانی که داریوش اول، امپراتور ایران در حدود سال ۵۱۰ قبل از میلاد به هندوستان حمله کرد، سربازانش به ساقه ای شیرین دست پیدا کردند که از آن عسل تولید می شد. احتمالاتی یافت شده به دست ایرانیان نیشکر بوده است. ساقه بلند نیشکر که شبیه بامبوست با پوسته ای چوبی و گره هایی در ساقه با کندن پوست چوبی اش محتوای خاکستری رنگ مرطوب و شیرین درونش قابل استفاده است و شما می توانید آن را میان دندانهای خود گذاشته و شهادش را بچوبید. امروزه می توانید مقادیر بسیار زیادی نیشکر در نواحی گرمسیری بیابید و خریداران از آن به عنوان یک جور شیرینی و نوشیدنی انرژی زا برای شادابی بخشیدن به بدن خود استفاده می کنند. زمانی که نثارخوس به اکتشاف مشغول بود نی هایی یافت که عسل می دادند، با اینکه از زنبور عسل هیچ خبری نبود. یونانیان کنجکاوی یافتن نیشکر خوشحال بودند اما این نهایتی از حقایق جالب طبیعت بود، هیچکس نمی توانست تصور کند آن نی ها، پایانی اند برای عصر عسل در دنیا.

خدایان و آیین ها

شکر به دست آمده از نیشکر را می توان به جزیره ای در شمال استرالیا نسبت داد، جایی که امروزه گینه نو نامیده می شود. احتمالاً نیشکر را مردم این جزیره در حدود پنج هزار سال پیش از یونانیان کشف و برداشت می کردند. در ابتدا نیشکر فقط یک گیاه وحشی بود که طعم خوبی داشت. بعد مردم متوجه شدند که چگونه آن را پرورش دهند، درست مثل آنکه آموختند چگونه درختان سیب و پسته های توت را بکارند. دانش کاشت این گیاه شیرین آرام آرام از گینه نو به خاک اصلی آسیا گسترش یافت. در یونان پولینزی نیز در سفرهای خود نیشکر را از جزیره ای به جزیره ای دیگری بردند تا در نهایت حدود ۱۱۰۰ سال بعد از میلاد مسیح به هاوایی رسیدند. با این حال بر اساس نخستین

وقتی شکر جهان را تغییر داد

نقش ایرانیان در کشف نیشکر و استفاده از شکر



تصفیه شکر از نیشکر ابداع کردند. از آنجایی که این مدرسه ارتباط زیادی با بسیاری از تمدن های بزرگ آسیا، مدیترانه و اروپا داشت؛ لغت شکر و تجربه چشیدن طعم شیرینی خاص آن گسترش یافت. اما این به معنای آن نیست که مردم در آن زمان شروع به پختن کیک های شیرین و پاشیدن شکر روی آنها کردند!

امروزه ما به طور کلی به چیزهای شیرین کاملاً متفاوت از خوراکی های شور فکر می کنیم، ما با صحنه میوه می خوریم و اگر گوشت را به عنوان یک ماده غذایی اصلی بچوبیم، معمولاً آن را برای ناهار و یا شام مصرف می کنیم لیکن در آن زمانها اگر مردم از میوه عسل و یا شکر برای شیرین کردن غذاها استفاده می کردند اغلب طعم های شور و یا حتی تلخ را هم با آن مخلوط می کردند. ما نیز امروزه گاهی چنین می کنیم؛ برای مثال شیرینی های زنجبیلی، مخلوطی از طعم شکر و طعم تند مانند زنجبیل، میخک و جوز هستند. ژامبون شور دارای لعابی از شکلات شیرین است، خوراکی عید شکرگزاری اغلب با بوقلمون و سس کرنبری سرو می شود غذاهایی از این قبیل که در تعطیلات خورده می شوند اغلب طعم و رسم پخت و پز گذشتگان را حفظ کرده اند. زمانی که دانش شکر در آغاز راه خود برای گسترده شدن در هندوستان، ایران، یونان و دانشگاه بزرگ جندی شاپور بود، معمولاً آشپزی برای ثروتمندان با مخلوط کردن طعمی تند با سایر طعم ها صورت می گرفت ما این کار را هزاران سال دیگر ادامه دادیم اما جهان شکر در شرف تحولی بسیار سریع بود تحولی که به واسطه یک توفان بی نظیر به نام اسلام در سرتاسر دنیا مشاهده شد.

ادامه دارد...

از کتاب «شکر جهان را تغییر داد» روایتی از سحر، چاشنی، آزادی و علم / نوشته مارک آرونسون، مارینا بودوس، ترجمه و تنظیم شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی نشر چشمه



سومین مورد مصرف شکر در هند باستان استفاده از خاصیت دارویی آن بود. امروزه می گوئیم که یک قاشق مرباخوری شکر می تواند به کاهش مصرف دارو کمک کند. برای همین از آن زمان تا کنون، شکر به عنوان یک ماده دارویی شفابخش نیز نقشش را حفظ کرده است. مرحله بعدی گسترش و انتشار شکر، از یک دانشگاه نشئت می گیرد که محل تلاقی تمامی دانش جهان در این زمینه بود.

جندی شاپور؛ نخستین بیمارستان آموزشی جهان

در آن زمان جندی شاپور نام یک دانشگاه استثنایی بود. دانشگاه جندی شاپور در ایران امروز قرار داشت. آن دانشگاه محل ملاقات اندیشمندان بزرگ دنیا بود. در سال ۵۲۹ پس از میلاد، مسیحیان، آموزشگاه های آن را کمربط با شخصیت های علمی مانند سقراط، افلاتون و ارسطو بود، تعطیل کردند. برای همین محققان یونانی باقی مانده به جندی شاپور نقل مکان کردند. یهودیان نیز به آن پیوستند و گروهی از مسیحیان به نام نسطوریان را پدید آوردند که سنت های کهن و علمی خود را داشتند. ایرانیان نیز دانش خود را اضافه کردند و یکی از پزشکان چیره دست آن زمان عازم هندوستان امروزی شد و به جمع آوری و ترجمه دانش هندوها پرداخت.

این دانشگاه نخستین بیمارستان آموزشی جهان را تأسیس کرد؛ مکانی که در آن بیماران تحت درمان قرار می گرفتند و پزشکان جوان، علم و دانش خود را توسعه می دادند، علاوه بر این دارای یک رصدخانه مناسب برای مشاهده آسمان بود. در جندی شاپور بزرگترین محققان غرب چین گرد هم آمده بودند و با یکدیگر به تفکر و مطالعه می پرداختند. تا سال ۶۰۰ پس از میلاد پزشکان دانشگاه درباره یک ماده دارویی هندی به نام شاکارامی نوشتند که ایرانیان به آن «شکر» می گفتند. در حقیقت محققان در جندی شاپور راه های جدید و بهتری برای

سواقی مکتوب شکر در مراسم مذهبی و آیینی هندوستان استفاده می شده است. سالها قبل از ساخت نخستین هرم مصر، سومری های باستان با مردم هاراپا و موهنجودارو، ساکن اطراف رود سند به داوستدمی پرداختند. احتمالاً هندوها برای انجام تعالیم مقدس خود برای نخستین بار در خلال سالهای ۱۵۰۰ تا ۹۰۰ قبل از میلاد، گرد هم جمع می شدند، و این برای ما کاملاً اثبات شده است. صدها سال پس از آن تاریخ این نوشته ها به رشته تحریر در آمدند. نوشته های هندوها پیرامون دین آن زمان با ما سخن می گویند و این که از نظر مذهبی، آتش مسئله بسیار مهمی برایشان بوده. مردم معتقد بودند که خدایان آتش را به انسان هدیه دادند. با این حال آتش روشی برای رسیدن انسان به سوی خدایان بود. کاهن با قرار دادن ماده ای در آتش می توانست آنها را به دود تبدیل کند و به سوی خدایان بفرستدشان. در آن زمان پنج ماده برای دود ساختن انتخاب شدند؛ شیر، پنیر، کره، عسل و نیشکر. نیشکر در آن زمان، تبدیل به ماده ای شد که در مراسم آیینی کنار آتش بود. شاید پس از انجام مراسم متعدد یک کاهن، متوجه این موضوع شد که اگر شهد نیشکر به خوبی و درستی جوشانده شود تبدیل می شود به توده کریستال های تیره رنگ و شیرین. شاید دگر دسی (شامل گرمادهی شیره و تبدیل آن به ماده ای شبیه دانه های شن تیره)، به خودی خود سحرآمیز به نظر برسد. در آتار و اودا، نیشکر ایکشو نامیده می شد که به معنای چیزی است که مردم آن را به خاطر شیرینی اش می خواهند. ولی زمانی که مردم یاد گرفتند چگونه کریستال های شکر بسازند آن را شاکاراکا نامیدند که به معنای شن است. با وجود اینکه هندیان شکر را در مراسم مذهبی استفاده می کردند، ولی از خوردن تکه های نیشکر نیز لذت می بردند. لغت «تکه ای شکر» در زبان سنسکریت هند باستان خاندان است که پس از برگردان آن از فارسی به عربی و سپس اروپایی تبدیل به کندی شد.

ایران و تنهایی اش

زنده یاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

اگر کسانی که آشنایی جدی با ادب کشورهای مختلف دارند بپرسیم: آیا می شناسید زبان دیگری را که به اندازه ی زبان فارسی دری در آن کنایه و مجاز و استعاره و ایهام و رمز و نماد به کار رفته باشد؟ به احتمال زیاد با جواب «نه» روبه رو خواهیم شد. این سؤال عمده ای است که چرا ایرانی، به خصوص از قرن پنجم به بعد، آن همه خود را در رمز غرقه کرده است؟ چون گرایش ها و سبک های ادبی، تأثیر پذیر از تاریخ و اجتماع هر قوم است، پاسخ سؤال را باید از این دو جست. توضیح کلی آن است که جامعه ی ایرانی ناگزیر شده است در رویه ای باشد. وقتی اختناق و تعصب، دایره مدار شد و فضای فکری نامن گشت، نوعی اندیشه ی زیر زمینی شروع به رشد خواهد کرد تا آنچه اندیشیده می شود بتواند نه با کلمات خود، بلکه با جان نشین های پوشیده اش به بیان آید، و یا برعکس، به کلمات معنایی غیر از آنچه واجد آنند، الحاق گردد. تا کنون از سر این کنایه ها تا حدی سراسری گذشته شده است، ولی کاوش عمیق در مبنای آنها برای کشف حقایقی که در بطن روح ایرانی و سرگذشت تاریخی اوست، اجتناب ناپذیر می نماید... مثل های فارسی که شمار آنها به هزاران می رسد، بهترین مبین روحیه و وضع و سلوک مردم ایران در طی تاریخ خود هستند. کافی است که مراجعه به آنها بشود، در آنها تأمل شود، و از روی آنها یک تاریخ اجتماعی کم و بیش مطمئن نوشته گردد. ما برای آنکه بدانیم چه هستیم و چه هستیم، پیش از آنکه نیازی به دایره المعارف های متحدالشکل داشته باشیم، خوب است که یک دفتر چهی خلاصه ی این مثل ها را در بغل نگاه داریم، و گاه به گاه نگاهی به آن بیندازیم.

لباس های ارگانیک

محمد نصرتی

این کمپین تبلیغاتی، مفهوم زربایی را منتقل می کند که به شکل معمول از صنعت تبلیغات انتظارش را نداریم؛ می گوید لباسی که برای شما مناسب است و به شما می آید حتماً با طبیعت هم متناسب است، به بیانی دیگر انسان را قسمتی از طبیعت و هماهنگ با آن می داند. بنابراین اگر لباسها از جنسی باشند که به طبیعت آسیب برسانند حتماً برای بشر هم مضر هستند حتی اگر ظاهر آنها به تن آدمها بیایند!

